



CrossConnect  
MINISTRIES

# رحمت خدا، نجات ما

جکی اوسچ

داستان‌هایی از کتاب‌های اول و دوم سموئیل، اول و دوم پادشاهان،

اول و دوم تواریخ

درس ۱: داوود و سموئیل – خدا به دل نگاه می‌کند

درس ۲: داوود و فلسطین – جنگ از آن خداست

درس ۳: داوود، ایبجایل، و شائول – خداوند با او بود

درس ۴: داوود و اسرائیل – خداوند، خدای اسرائیل است

درس ۵: سلیمان و پادشاهان – اسرائیل بر ضد خداوند گناه کرد

درس ۶: ایلیا و الیشع – خداوند خداست؛ او را پیروی کنید

«من کلام تو را در قلب خود نگاه داشته‌ام...» (مزمور ۱۱۹: ۱۱)

## شروع کنیم

شما سفری را آغاز می‌کنید که بقیه زندگی شما را شکل خواهد داد. این سفر برای شما کاملاً تازه است و بی‌نظیر است و نقش مهمی را در اشتیاق و علاقه شما در رشد و درک کتابی به نام کتاب مقدس خواهد داشت. تعهد و کوشش شما در این درس، زندگی شما را پر بار می‌سازد زیرا خدا از طریق کلامش با شما گفتگو می‌کند.

برای مطالعه این دوره آموزشی توصیه می‌شود لوازم زیر را تهیه کنید:

۱- این دوره آموزشی: رحمت خدا، نجات ما.

۲- کتاب مقدس فارسی. در صورت لزوم کتاب مقدس انگلیسی (ESV (English Standard Version). اگر کتاب مقدس جدیدی تهیه می‌کنید، به دنبال کتابی باشید که حتی الامکان:

الف. پایین هر صفحه ارجاعات داشته باشد.

ب. یک فرهنگ لغات داشته باشد که معمولاً در پشت کتاب مقدس یافت می‌شود، و

پ. چند نقشه که آنها هم معمولاً در انتهای کتاب هستند.

۳- مداد و یا خودکار.

۴- کارت‌های کوچک برای یادداشت.

با ابزاری که در شماره ۲ ذکر شده‌اند شما برای مطالعه‌تان به اندازه کافی تامین خواهید شد و آماده باشید تا به صورت موفقیت‌آمیز از این درس عبور کنید. اگر در هر صورت، این اولین برخورد شما با کتاب مقدس است، شاید بخواهید با مطالعه عنوان کند و کاو کتاب مقدس شروع کنید. این مطالعه ابزارهای راهنمایی را ارائه می‌دهد که برای کمک به شما در پرورش دادن مهارت‌های تان طراحی شده‌اند و شما را به دانش آموز کتاب مقدس مطمئن‌تری تبدیل می‌کند. کند و کاو کتاب مقدس را می‌توانید به صورت رایگان و بدون هیچ تعهدی از وبسایت کراس کانکت ([www.crosscm.org](http://www.crosscm.org)) دریافت کنید. اگرچه این درس پیشنهاد شده، اما برای موفقیت در مطالعه رحمت خدا، نجات ما الزامی نیست.

برای علامت‌گذاری در کتاب مقدس‌تان تردید نکنید. این کتاب مقدس شما برای مطالعه است. با یادداشت‌ها، خط‌کشی‌ها، مشخص کردن خطوط با ماژیک، دایره کشیدن دور کلمات و علامت‌گذاری‌ها آن را متعلق به خود کنید. شما ممکن است بخواهید برای نوشتن افکار، سوالات و دنبال کردن مسیر مطالعه‌تان از یک دفتر یادداشت یا تابلت استفاده کنید.

مطالب برای مطالعه نوشته شده‌اند تا شما بتوانید خودتان یاد بگیرید. با مقداری نظم شخصی از پس مطلب بدون و یا با کمی سختی بر خواهید آمد. همزمان، شما اطلاعات جدید به دست خواهید آورد، دیدگاه‌های جدید را به اشتراک خواهید گذاشت، و سوالات چالش‌برانگیزی می‌پرسید که مستلزم پاسخ خواهند بود. با پیش‌بینی این پاسخ شما تشویق می‌شوید تا به طور جدی بخواهید از چند دوست برای مطالعه با یکدیگر دعوت کنید.

امیدوارم که از مطالعه‌تان لذت ببرید. امیدوارم وقتی که خدا از طریق کلامش با شما صحبت می‌کند، قلب‌تان آماده دریافت باشد. امیدوارم این داستان‌های کتاب مقدس شما را از محبت عظیم او که از طریق پسرش عیسی مسیح، خداوند و نجات‌دهنده‌مان به شما داده شده دوباره مطمئن کند.

# درس اول

## خداوند به قلب نگاه می کند

اول سموئیل ۱۶ - داوود و سموئیل

---

### بررسی اجمالی درس اول

بررسی	
۵	مقدمه
۶	درس ۱: اول سموئیل ۱۶
۷	• وظیفه جدید سموئیل
۸	• ضوابط خدا
۹	• خدمت به پادشاه
۱۱	• عدم اطاعت ارادی سموئیل
۱۳	• لذت بردن در اراده خدا

## مقدمه

در بخش قبلی «ارادهٔ خدا، راه ما»، آموختیم که اسرائیل می‌خواست مانند ملت‌های دیگر روی زمین توسط یک پادشاه اداره شود. خواستهٔ آنها برای شباهت به ملت‌های اطراف‌شان جایگزین خواسته‌شان برای زندگی کردن به صورت منحصر بفرد به عنوان مردمی شد که متعلق به خدا بودند و به عنوان فرزندان او یک زندگی امن تحت قانون و سلطنت او داشتند. درخواست آنها برای پادشاه، در اساس، رد کردن خدا به عنوان پادشاه‌شان بود. بعد از اخطار دادن به آنها دربارهٔ سختی‌های زندگی کردن تحت حاکمیت یک پادشاه، خدا آنچه که می‌خواستند را به آنها داد. سموئیل نبی توسط خدا راهنمایی شد تا شائول پادشاه را برای قومش تدهین کند. خدا به شائول روح خود را داد و او را با این سخنان دلگرم کرد، «هرچه دستت به جهت عمل نمودن بیابد، همان را با توانایی خود به عمل آور، زیرا خدا با توست.»

کمی بعد از اینکه شائول پادشاه می‌شود اعمال خودخواهانهٔ او از نا اطاعتی و شکستش در نگه داشتن احکام خداوند را می‌بینیم. در نهایت شائول کلام خداوند را رد کرد و خداوند هم او را از پادشاهی رد کرد. خدا از اینکه شائول را پادشاه اسرائیل کرده بود غمگین شد و روح خود را از گرفت.

در این درس خدا به دنبال مردی است که موافق قلب خودش باشد. یاد می‌گیرید که پادشاه بعد کجا بود و ضوابط خدا برای این پادشاه جدید تدهین شده را خواهید دانست. ببینید که خدا چگونه از او استفاده می‌کند و مورد لطف شائول پادشاه قرار می‌گیرد. پشیمانی خدا از انتخاب شائول به عنوان اولین پادشاه اسرائیل را پیش‌بینی کنید.

## بخش ۱

**مقدمه:** سموئیل و شائول پادشاه از هم جدا شدند (اول پادشاهان ۱۵). سموئیل به رامه و شائول به خانه خود در جبعه رفتند. اگرچه سموئیل برای شائول سوگواری کرد، اما هرگز برای دیدن دوباره او نرفت. خداوند از اینکه شائول را پادشاه کرده بود و حالا او را از پادشاهی اسرائیل رد کرده بود سوگواری کرد.

مهم است که متوجه باشیم این خداوند نبود که قدم اول برای رد کردن شائول را برداشت. اول سموئیل ۱۵: ۲۶ به ما می گوید که ابتدا سموئیل کلام خداوند را رد کرد. شائول رابطه‌ای را که خدا می‌خواست به عنوان پادشاه اسرائیل با او برقرار کند رد کرد. به دلیل تصمیم شائول برای رد کردن خدا، خدا او را به عنوان پادشاه رد کرد.

**تکلیف:** داستان ادامه دارد. اول سموئیل ۱۶: ۱-۱۳ را بخوانید.

- خدا سموئیل را کجا فرستاد؟
- چرا او فرستاده شد؟
- او چه کاری انجام داد؟

## **تمرین:**

۱. در آیه ۱ سوال خداوند از سموئیل چه بود؟

---

---

---

۲. خدا وظیفه جدیدی برای سموئیل دارد. او آماده بود تا پادشاه جدید اسرائیل را تدهین کند و او می‌خواست که سموئیل شخصی را که او انتخاب کرده بود تدهین کند. فرمان خدا در میانه آیه ۱ چه بود؟

---

**تعلیم:** فرمان «حقه خود را از روغن پر کن» به این معناست که پادشاه جدید در شرف تدهین بود. در اول سموئیل ۱۰:۱ می‌خوانیم که سموئیل شائول را تدهین می‌کند تا پادشاه و رهبر میراث خدا یعنی اسرائیل شود. به استفاده از روغن که بر روی سر شائول ریخته شد توجه کنید. تدهین کردن به وسیله روغن نشانه‌ای برای مردم بود به این معنی که این فرد برای یک هدف مقدس کنار گذاشته شده است. در باب ۱۰ شائول در نظر گرفته شده بود و حالا مردی جدید در شرف این بود که برای استفاده مقدس خدا کنار گذاشته شود.

### تمرین:

۱. خدا سموئیل را کجا فرستاد؟

---

۲. یسی شخصیت نا‌آشنایی نیست. روت ۴: ۲۱ و ۲۲ را مرور کنید. به شجرنامه خانوادگی دقت کنید.

الف) روت و بوعز والدین \_\_\_\_\_ هستند.

ب) نعومی مادر مادربزرگ \_\_\_\_\_ است.

پ) چه کسی پسر یسی است؟ \_\_\_\_\_

۳. چرا سموئیل به بیت‌لحم فرستاده شد (آیه ۱)؟

---

۴. ترس سموئیل چه بود (آیه ۲)؟

---

۵. خدا سموئیل را راهنمایی کرد که چه کاری انجام دهد و چه بگوید؟

\_\_\_\_\_ الف)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ ب)

\_\_\_\_\_

۶. در انتهای آیه ۳ دستورالعمل ویژه خدا برای سموئیل چه بود؟

---

---

---

۷. سموئیل اطاعت کرد (آیه ۴) و به بیت لحم رسید و آنجا بزرگان شهر را ملاقات کرد. بی شک، آنها نگهبان بودند و زمانی که سموئیل رسید در ورودی شهر جمع شده بودند. آنها در آیه ۴ چه چیزی از سموئیل پرسیدند؟

---

۸. سموئیل به آنها چه گفت (آیه ۵)؟ او چرا آمده بود؟

---

۹. دستورالعمل و دعوت او برای بزرگان چه بود؟

---

---

---

۱۰. بقیه افرادی که او آنها را دخیل کرد چه کسانی بودند؟

---



## بخش ۲

**سوال تامل برانگیز:** خدا سموئیل را به بیت لحم نزد یسی فرستاد تا پادشاه جدید را تدهین کند. اگر شما از جانب خدا فرستاده شده بودید تا انتخاب را انجام دهید، معیارتان برای انتخابی که انجام می دادید چه بود؟ فراموش نکنید که ناامیدی تان از پادشاه اول را در نظر بگیرید.

الف. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

ب. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

پ. \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

**تمرین:** بیایید ببینیم خدا چه کسی را انتخاب کرد...

۱. سموئیل به دنبال انتخاب خدا است. در آیه ۶ سموئیل چه کسی را دید؟

\_\_\_\_\_

۲. نظر سموئیل درباره آن مرد چه بود؟

\_\_\_\_\_

۳. در آیه ۷ خدا از سموئیل می خواهد که چه چیزی را در نظر نگیرد؟

\_\_\_\_\_

۴. ما چه چیزی درباره ظاهر و قد پادشاه شائول می دانیم؟ اول سموئیل ۹: ۲ را ببینید.

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۵. خداوند الیاب را رد کرد. کلمات بعدی بینشی نسبت به ذهن خداوند ارائه می‌دهند. یادآوری آیه ۷ را

بنویسید:

---

---

---

۶. واکنش سموئیل به هر کدام از پسرهایی که یسی نزد او آورد چه بود (آیات ۸-۱۰)؟

---

---

۷. در نهایت، در آیه ۱۱ سموئیل از یسی چه می‌پرسد؟

---

۸. پاسخ یسی چه بود؟

---

۹. رهنمود سموئیل چه بود؟ (آیه ۱۱)

---

۱۰. و جوان‌ترین که از گوسفند مراقبت می‌کرد نزد او آورده شد. او در آیه ۱۲ چطور توصیف شده است؟

---

---

۱۱. خداوند به سموئیل دستور داد تا چه کاری انجام دهد؟

---

۱۲. سموئیل داوود را در حضور برادرانش تدهین کرد. چه چیزی درباره داوود به ما گفته شده (آیه ۱۳)؟

---

---

این آشناست. چه چیزی درباره شائول در اول سموئیل ۱۱: ۶ به ما گفته شده؟

---

۱۳. وقتی ماموریت سموئیل تمام شد، او به سمت خانه‌اش در \_\_\_\_\_ رفت (آیه ۱۳).

**به خاطر بسپاریم:** آیا خودتان را می‌بینید که به جای نگاه به قلب یک فرد به ظاهر او نگاه می‌کنید؟ آیه ۷ را روی یک کاغذ یادداشت کوچک برای این تکلیف بنویسید. خدا به سموئیل یک مشاوره مستقیم می‌دهد: «به چهره‌اش و بلندی قامتش نظر منما... چونکه خداوند مثل انسان نمی‌نگرد.» انسان با نگاه به ظاهر فرد فریب می‌خورد؛ خداوند نگاه می‌کند، جستجو می‌کند، و قلب را می‌شناسد. قلب ارزش‌ها، شخصیت، و ذات فرد را نگره می‌دارد.

۱. خدا به سموئیل می‌گوید که چه کاری انجام دهد؟

---

۲. ما قلب خود را چطور برای دیگران آشکار می‌کنیم تا آن را ببینند؟

---

---

---

۳. قلب چه چیزی درباره یک فرد به ما می‌گوید؟

---

---

---

۴. وقتی قلبم را آشکار می‌کنم دیگران چه چیزی درباره من می‌آموزند؟

---

---

---

**نکته قابل توجه:** تا به اینجا بعضی چیزها در سائول و سموئیل شبیه بوده‌اند. هر دوی آنها ناچیز و بی تجربه تلقی می‌شدند.

۱. در اول سموئیل ۹: ۲۱ چه چیزی درباره سائول می‌آموزیم؟

---

---

---

۲. دو موردی که درباره داوود در اول سموئیل ۱۶: ۱۱ می‌آموزیم چه هستند؟

الف) \_\_\_\_\_

ب) \_\_\_\_\_

۳. در آخر، در اول سموئیل ۹: ۲ و اول سموئیل ۱۶: ۱۲ چه چیزی درباره این دو به ما گفته شده؟

---

---

### بخش ۳

**مقدمه:** به تازگی بررسی شباهت‌های بین این مردان را تمام کردیم، بین سائول و داوود. آیات بعدی نشان می‌دهند که چه چیزی تفاوت‌های بین آنها را به وجود آورد. در اول سموئیل ۱۵: ۲۳ و ۲۶ می‌آموزیم که به خاطر عصیان، تکبر، و ناطاعتی سائول، خداوند او را پادشاهی اسرائیل رد کرد. اول سموئیل ۱۶: ۱۴-۲۳ نتیجه دیگری از اعمال سائول را نشان می‌دهد.

**تکلیف:** اول سموئیل ۱۶: ۱۴-۲۳ را بخوانید.

- چه چیزی جانشین روح خدا شد؟
- چه کسی به خدمت سائول خوانده شد؟
- از او خواسته شد چه کاری انجام دهد؟

## تمرین:

۱. چه چیزی از شائول جدا شد ( آیه ۱۴)؟

۲. روح خدا به شائول قدرت بخشیده بود (اول سموئیل ۱۱: ۶). روح خدا از شائول دور شد و روح بد بر او آمد. این روح جدید و مخرب تاثیر متفاوتی روی او داشت. به ما گفته شده است که این روح بد او را \_\_\_\_\_ می ساخت (آیه ۱۴).

۳. خدمت گزار شائول که از او نگهداری می کرد متوجه شد چه اتفاقی در حال افتادن است. راه حل آنها برای روح در حال عذاب شائول چه بود (آیات ۱۵-۱۶)؟

۴. در آیه ۱۷ می بینیم که شائول موافقت می کند و از نگهبانان خود می خواهد که اقدام به شناسایی و آوردن فردی که ساز چنگ را به خوبی می نوازد نزد او کنند. یکی از نگهبانان داوود را می شناسد، پسر یسی. او درباره داوود چه می گوید (آیه ۱۸)؟

الف) \_\_\_\_\_

ب) \_\_\_\_\_ و

پ) \_\_\_\_\_ و

ت) \_\_\_\_\_ و

۵. در آیه ۱۹ شائول چه کاری انجام می دهد؟

۶. در آیه ۲۰ واکنش یسی چیست؟

---

به سخاوت و احترامی که یسی برای پادشاهش قائل بود توجه کنید.

۷. آیه ۲۱ چه چیزی درباره خدمت داوود به شائول پادشاه به ما می‌گوید؟

---

---

---

۸. چه چیزی درباره رابطه شائول و داوود یاد می‌گیریم؟

---

---

---

۹. شائول از یسی پدر داوود چه سوالی پرسید (آیه ۲۲)؟

---

۱۰. به نظر می‌رسد که شائول راه حلی برای زمان‌هایی که روح بد از طرف خدا بر او می‌آید دارد (آیه ۲۳). داوود \_\_\_\_\_

گرفت. \_\_\_\_\_

شائول \_\_\_\_\_ بود و روح بد \_\_\_\_\_ .

**تعلیم:** اطاعت ما از کلام خدا برای خداوند مهم است. مهم نیست که فکر می‌کنیم چقدر حق با ماست، خدا از اطاعت ما از لذت می‌برد. کلام او هدیه او به ماست. کلام او ما را راهنمایی می‌کند و مسیر را نشان می‌دهد که ما را از شریر و خطر حفظ می‌کند. کلام او تمام روزهای زندگی‌های مان که می‌آیند و می‌روند را محافظت می‌کند. در خروج ۲۰ ده فرمان را خواندیم و آموختیم که فرامین توسط خدا به مردمش داده شدند تا بتوانند به عنوان یک جامعه در کنار هم زندگی کنند و محبت‌شان به خدا را به دنیای اطراف‌شان منعکس کنند. فرامین خدا بهترین او برای آنها بود و با قلب محب‌آمیز خود آنها را داده بود و با این حال اسرائیلیان انتخاب کردند که نا اطاعتی کنند. نا اطاعتی آنها نشان‌دهنده رد کردن او به عنوان خدای‌شان بود.

وقتی به شائول نگاه می‌کنیم می‌بینیم که او هم، با تمایل انتخاب کرد که از کلام خداوند سرپیچی کند. هیچ چیزی به اندازه اعتماد ما به خداوند او را خشنود نمی‌کند و این اعتماد در اطاعت‌مان از او نمایان می‌شود. اول سموئیل ۲۳ به ما یادآور می‌شود که نا اطاعتی عصیان و غرور است. باید متوجه باشیم که نا اطاعتی نسبت به صدا و کلام خدا، بازتاب قلبی است که خدا و اقتدار او را رد می‌کند.

## بخش ۴

### تامل:

۱. چه چیزهایی وجود دارند و چه زمان‌هایی هستند که توجه به کلام خداوند را برای من سخت‌تر می‌کنند؟

---

۲. وقتی به صدای خدا که از طریق کلامش صحبت می‌کند گوش می‌دهم من ...

---

---

---

۳. اطاعت از خدا به عنوان اختیار برای همه سخت است. در پیدایش ۳ آموختیم که آدم و حوا در این مورد که راه بهتری از اطاعت از صدای خدا پیدا کرده‌اند فریب خوردند. عصیان و غرور مفاهیم دشواری هستند. نمی‌خواهیم در مورد خودمان اینطور فکر کنیم که چنین افرادی هستیم. نتیجه رد کردن کلام خدا توسط شائول رد شدن او توسط خدا به عنوان پادشاه بود. آیا رد شدن را تجربه کرده‌اید؟ رد شدنی که به خاطر عصیان یا غرور خودتان باشد؟ چه چیزی گفته یا انجام شد؟ برای نتیجه‌ای متفاوت چه چیزی باید گفته و یا انجام می‌شد؟

**به خاطر بسپاریم:** یک بار دیگر، مزمور ۱ با ما صحبت می‌کند. تکلیف حفظ کردن مزمور ۱ را مرور کنید. (لطفا توجه کنید: اگر این اولین ارجاع‌تان به مزمور ۱ است وقت بگذارید و این مزمور اول را روی یک کاغذ یادداشت بنویسید و متعهد باشید که این شش آیه کوتاه را حفظ کنید.) به آیه دو توجه خاص کنید. «بلکه رغبت او در شریعت خداوند است...» خداوند از اطاعت ما از کلامش لذت می‌برد. چرا اطاعت برای خداوند اینقدر مهم است؟

---

---

مزمور ۱: ۲ به ما می‌گوید شخصی که در رابطه با خداوند قدم بر می‌دارد در اطاعت از او و تفکر در کلام او لذت می‌برد. لذت بزرگ این شخص از مشارکت در فعالیت‌های شریران، گناهکاران، و استهزاکنندگان نیست - یعنی افرادی که در رابطه با خدا نیستند. به این فکر کنید که با نشان دادن محبت‌مان به خدا با اطاعت از او خدا از ما لذت می‌برد و ما از او لذت می‌بریم.

**دعا:** ای خداوند، پدر مهربان، برایم سخت است که راه‌های عصیان و غرورم را اعتراف کنم. من می‌خواهم مسئول باشم. من می‌خواهم همان باشم که تعیین می‌کنم چه کاری باید انجام دهم و چه کاری را نه. اما، در حالی که با اطاعت به کلام تو پاسخ می‌دهم این را می‌آموزم که من تو را خشنود می‌کنم. باشد که اطاعت کردن از تو و احترام گذاشتن به کلامت تمام روزهای زندگی‌ام را روشن کند. مرا از محبتی سرشار کن که بزرگ‌ترین شادی‌ها را در تو پیدا کند.

---

---

---

---



# جنگ از آن خداوند است

اول سموئیل ۱۷ - داوود و فلسطین

بررسی اجمالی درس ۲

بررسی

مقدمه

۱۹

درس ۲: اول سموئیل ۱۷

۲۰

• قوی هیکل فلسطین

۲۱

• جلیات مبارزه طلبی خود را فریاد می زند

۲۳

• زره انسان

۲۵

• زره خدا

۲۶

• خداوند نجات می دهد

۳۵

• خاتمه

## مقدمه

چندی بعد شائول و اسرائیلیان با جلیات و فلسطینیان مواجه شدند. اسرائیلیان از فخر فروشی و مبارزه طلبی جلیات وحشت زده شده بودند. اسرائیل از چه چیزی غافل شده بود؟ چرا لشکر اسرائیل در جنگ علیه دشمنان فلسطین دخیل نشدند؟ به هر حال، داوود رسوایی‌ای که جلیات برای لشکر خدای زنده به بار آورده بود را تحمل نمی‌کرد. داستان ممکن است برای تان آشنا باشد اما آن را طوری بخوانید که انگار بار اول است. زره داوود چه بود؟ سلاح او چه چیزهایی بودند؟ نتیجه جنگ با قوی‌هیکل فلسطینی چه بود؟

## بخش اول

**تعلیم:** در شرف شروع مطالعه اول سموئیل باب ۱۷ هستیم، یکی از معروفترین داستان‌های کتاب مقدس. این داستان داوود و جلیات است.

داوود اثر میکال آنژ تصویری کلی از داوود، پسر جوان است، داوود چوپان، کوچک‌ترین پسر یسی. آثار برابر و کم‌تر مورد توجه قرار گرفته توسط وروکیوی مجسمه‌ساز ساخته شده‌اند.

سموئیل نبی در اطاعت از خدا در حضور برادران او روغن بر سرش ریخت (اول سموئیل ۱۶: ۱۳). این پسر جوان حالا به عنوان پادشاه اسرائیل تدهین شده و برای اهداف خدا کنار گذاشته شده بود. او همانی بود که روح خدا با قدرت بر او آمد. اگرچه او به عنوان پادشاه اسرائیل تدهین شد اما سال‌های زیادی باید بگذرد تا او بر تخت پادشاهی به عنوان پادشاه حکمران اسرائیل بنشیند.

تعدادی اسم عجیب در اول سموئیل ۱۷: ۱-۳ استفاده شده‌اند. سوکوه، افسدمیم، عزیزه و دره ایلاه همه در ساحل دریای مدیترانه واقع شده‌اند. بسیاری از نقشه‌های کتاب مقدس نشان نمی‌دهند این شهرهای باستانی کجا قرار داشته‌اند. در هر صورت، بسیاری از آنها سرزمین فلسطین را نشان می‌دهند. نوار باریکی از زمین که در امتداد ساحل مدیترانه بین یافا در شمال و غزه در جنوب قرار دارد. این سرزمین توسط فلسطینیان، رقبای اصلی اسرائیل اشغال شده بود. در سراسر اول و دوم سموئیل به فلسطینیان اشاره شده است، که اغلب در حال جنگ یا مانور علیه اسرائیل بودند.

در سموئیل ۱۷: ۳ به ما گفته شده که لشکر فلسطین و لشکر اسرائیل هرکدام در روستایی که بین شان قرار داشت تپه‌ای که مخالف دیگری واقع شده بود را اشغال کرده بودند. این صحنه‌ای است که برای داستان داوود و جلیات برقرار شده بود. اگر تا به حال این داستان را آنگونه که در اول سموئیل آمده نخوانده‌اید، ممکن است بخواهید قسمت‌های جدید داستان را که قبلا نمی‌دانستید در دفتر خود یادداشت کنید. این قسمت‌ها و قطعات جمع‌آوری شده ممکن است دیدگاهی جدید و یک قدرشناسی تازه برای کار معجزه‌آسای خدا بدهد که از طریق این چوپان جوان یعنی داوود انجام شد.

## تکلیف:

۱. خلاصه‌ای کوتاه از چیزهایی که درباره‌ی داستان - حقایق، شخصیت‌ها، کلمات، و غیره به خاطر می‌آورید را بنویسید.

---

---

---

---

۲. اول سموئیل ۱۷ را بخوانید. جملات، عبارات، و کارهایی که جلیات را توصیف می‌کنند بنویسد و برای خود فهرستی از چیزهایی که دارید در مورد داوود یاد می‌گیرید تهیه کنید.

## تمرین:

۱. آیات ۴-۷ جلیات قهرمان فلسطینیان را توصیف می‌کنند. به این مرد که فلسطینی‌ها او را داشتند توجه کنید:

الف) ظاهر او:

---

---

ب) زره او:

---

---

پ) سلاح او:

---

---

ت) قدرت او:

---

۲. بعد از این مشاهدات نتیجه‌گیری شما چیست؟

---

---

---

۳. از دیدگاه جلیات در آیه ۸ چه کسانی نیروهای مخالف بودند؟

---

---

---

۴. جلیات مردی بود که شکست می‌داد. جلیات چه چیزی را بر اسرائیل فریاد زد؟

---

---

---

۵. جالب است که به این موضوع توجه کنیم که چطور جلیات خودش را در مرکز نبرد می‌دید. زیر تمام ضمائر شخصی‌ای که جلیات در آیات ۸، ۹، ۱۰ استفاده کرده خط بکشید.

۶. جلیات با چالش مواجه می‌شود (آیه ۱۰):

---

---

---

۷. جلیات فکر می‌کرد قرار است با چه کسی بجنگد؟

---

---

---

۸. حالا جلیات چه چیزی را می‌داند؟

۹. آیه ۱۱ را بخوانید. چه کلماتی برای توصیف اسرائیلیان به کار برده شده است؟

9

توجه کنید: ترجمه‌های دیگر از کلمه وحشت‌زده استفاده کرده‌اند. این کلمه به معنی این است که چیزی یا شخصی در هم شکسته شده باشد. در هم شکستن ممکن است به دلیل خشونت، سردرگمی، یا ترس به وجود بیاید و منجر شود که کسی بترسد، دل‌سرد شود، یا وحشت‌زده شود.

**تأمل:** چه اتفاقی در حال وقوع است؟ چه خبر است؟ به نظر می‌رسد کل این داستان مثل یک بازی روانی باشد. تیم‌ها عبارتند از فلسطینی‌ها به همراه قهرمان‌شان جلیات در برابر سرائیل و شائول پادشاه. جلیات مقابل اسرائیل با لباس جنگی، قامت، زره، سلاح، قدرت، و حتی سلاح‌داری که در جلوی او حرکت می‌کرد ظاهر شد. چه کسی ممکن است ترسیده باشد؟

۱. جلیات نه تنها برای جنگ ملبس و مسلح شده بود بلکه حالا ایستاده بود و به لشکر اسرائیل فریاد می‌زد. در اساس به نظر می‌رسید که اینطور می‌گوید، «بیایید آسان بگیریم. من برای فلسطینیان خواهم جنگید و شما هم بهترین مردتان را بفرستید تا برای اسرائیل بجنگد. و باشد که بهترین پیروز شود. اگر من شکست بخورم فلسطینیان مطیع اسرائیل خواهند شد و اگر شما شکست خوردید اسرائیلیان به ما خدمت خواهند کرد.» مهم است که برای دقیقه‌ای دقت کنیم که قهرمان اسرائیل چه کسی است (اول سموئیل ۹: ۲). در اول سموئیل ۱۷: ۱۱ چه چیزی درباره او می‌خوانیم؟

۲. آمده است که پادشاه اسرائیل وحشت‌زده شده و بسیار ترسیده بود. آیا از عکس‌العمل او نسبت به جلیات تعجب‌زده شدید؟ انتظار دارید که پادشاه و رهبر شما چه عکس‌العملی نشان دهد؟ وقت بگذارید و فکر کنید که چه رابطه‌ای باید بین مردم و پادشاه وجود داشته باشد:

۳. اگر شما در لشکر اسرائیل بودید و این فرد غول‌پیکر مسلح را می‌دیدید و دعوت به چالش جسورانه او را می‌شنیدید، از چه کلماتی برای توصیف خودتان استفاده می‌کردید؟

## سوالات کاربردی:

۱. برخی از چیزهایی که با آنها مواجه می‌شوم چه چیزهایی هستند؟

---

۲. وقتی درگیری زندگی بالاست، چه احساساتی در من به وجود می‌آیند؟

---

---

۳. چطور باید به چالش‌هایی که این درگیری‌ها برایم به وجود آورده‌اند واکنش نشان دهم؟

---

---

---

۴. احساسم نسبت به شیوه واکنشم به این درگیری‌ها که بر سرم فریاد می‌زند چیست؟

---

---

---

**دعا:** ای خداوند، باید اعتراف کنم اغلب که با غول‌های زندگی مواجه می‌شوم و حشت‌زده می‌شوم. احساس می‌کنم که در هم می‌شکنم، از ترس به گوشه‌ای می‌روم، و شکست خورده‌ام. غول من به تمام اشکال و اندازه‌ها می‌آید. من فقط می‌دانم که در برابر آنها قدرتی ندارم. مرا ببخش که فراموش می‌کنم تو زره و ناجی من هستی، نجات‌دهنده من. تو همانی هستی که با غول‌های زندگی‌ام به جای من می‌جنگی. متشکرم که از من مراقبت می‌کنی. تو قهرمان من هستی.

---

---

---

## بخش ۲

**تکلیف:** اول سموئیل ۱۷ را بخوانید.

### **تمرین:**

۱. یسی، پدر داوود، در طول سال‌ها پیشرفت کرده بود. او هشت پسر داشت. به ما گفته شده که سه پسر بزرگ او همراه با شائول به جنگ رفته بودند (آیات ۱۲-۱۳). اسم سه پسر \_\_\_\_\_ ، \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ بود.

۲. درباره داوود در آیات ۱۴ و ۱۵ چه چیزی به ما گفته شده؟

---

---

---

۳. دست انداختن و متلک گفتن غول‌بیکر فلسطینی روزی دو بار برای \_\_\_\_\_ روز ادامه داشت.

۴. یسی داوود را خواند و به او مواد غذایی داد تا به کمپ اسرائیلی‌ها جایی که برادرانش آنجا بودند ببرد. پدر او مشتاق بود تا از سلامت و تندرستی پسرانش مطلع شود. داوود همان کاری را کرد که پدرش گفته بود. وقتی داوود به کمپ رسید چه اتفاقی افتاد (آیات ۲۰-۲۱)؟

---

---

۵. وقتی داوود با برادرانش صحبت می‌کرد چه کسی جلو آمد؟

---

۶. داوود شنید که جلیات فریاد می‌زند و لشکر خدای زنده را به جنگ می‌طلبد. واکنش لشکر اسرائیل چه بود (آیه ۲۴)؟

---

۷. پادشاه چه قولی به کسی که این مرد را بکشد داد، مردی که اسرائیل را به مبارزه می‌طلبید (آیه ۲۵)؟



\_\_\_\_\_ (الف)

\_\_\_\_\_ (ب)

\_\_\_\_\_ (پ)

۸. داوود از مردی که نزدیک او بود پرسید تا برایش بگوید برای مردی که این فلسطینی را که چنین بی حرمتی ای نسبت به اسرائیل کرده بکشد چه اتفاقی خواهد افتاد. در آیه ۲۶ داوود چطور به جلیات اشاره می کند؟

در اصل داوود گفت، «او فکر می کند چه کسی است؟ او چطور جرئت می کند که فکر کند می تواند لشکر خدای زنده را شکست دهد؟»

۹. در آیه ۲۸ خشم الیاب نسب به داوود افروخته می شود. الیاب چه تهمتی زد؟

۱۰. داوود برگشت تا اطلاعات را تأیید کند (آیات ۳۱-۳۲). سائول درباره داوود می شنود و دنبالش می فرستد. داوود به سائول چه می گوید؟

۱۱. داوود داوطلب می شود که چه کاری انجام دهد؟

۱۲. پاسخ سائول چیست؟

قد و قواره داوود و تجربه او در جنگ تنها چیزهایی بودند که شائول برای جنگ علیه جلیات مهم و لازم می دانست. پاسخ داوود چه بود (آیات ۳۴-۳۵)؟

---

---

الف) داوود با چه حیواناتی جنگیده بود؟ و \_\_\_\_\_  
ب) او این فلسطینی نامختون را چطور می دید؟

---

---

پ) چرا (آیه ۳۶)؟

---

---

۱۳. چه کسی نجات دهنده داوود بود (آیه ۳۷)؟

---

---

۱۴. شائول به داوود گفت تا با برکت خداوند برود. اما شائول قبل از اینکه داوود را راهی کند چه کاری انجام داد (آیات ۳۸-۳۹)؟

---

---

۱۵. پاسخ داوود برای پوشیدن زره شائول چه بود؟

---

---

۱۶. او در عوض چه کاری کرد (آیات ۳۹-۴۰)؟

---

---

**تامل:** در اول سموئیل ۱۷: ۳۸-۴۱ می‌آموزیم که داوود و شائول دربارهٔ اینکه داوود در هنگام مواجهه با غول پیکر چه بپوشد فکرهای متفاوتی داشتند. شائول اصرار داشت که داوود زره او را بپوشد. وقتی در موردش فکر می‌کنید، فکر نمی‌کنید که داوود دیدنی می‌شد؟ او یک پسرک جوان بود که کتی کوتاه پوشیده بود، زره و کلاه خود را بر تن داشت، و شمشیر مردی را حمل می‌کرد که یک سر و گردن از هر کسی که در اطرافشان بود، بلندتر بود. در هر صورت، داوود، تشخیص داد که نمی‌تواند برود و جلیات را ببیند چون به پوشیدن آن همه متعلقات عادت نداشت. در عوض او وسایل خودش را برداشت، ۵ عدد سنگ صیقلی، تیر و کمان کوچکش؛ یعنی تنها چیزهایی که برای دفاع مقابل شیرها و خرس‌ها برای محافظت از گوسفندان استفاده می‌کرد.

برای دقیقه‌ای فکر کنید که در این جنگ شیرها و خرس‌ها غول پیکر بودند و گوسفندها لشکر اسرائیل، لشکر خدای زنده. داوود خود را به عنوان ناجی گوسفندان و اسرائیل، از این شیر یا خرس، از جلیات غول پیکر نمی‌دید. او می‌دانست وقتی در حال محافظت از گوسفندانش بود خدا او را از دست شیر و خرس نجات داد، پس او این را هم می‌دانست که وقتی لشکر خدای زنده را محافظت می‌کند خدا آن کسی خواهد بود که او را از دست این فلسطینی نجات خواهد داد.

داوود به با وسایل چوپانی‌اش یعنی ۵ عدد سنگ، و یک تیر و کمان به فلسطینی رسید. وقتی خدا ما را از غول‌های زندگی که به هر شکل و اندازه‌ای به سراغمان می‌آیند، نجات می‌دهد، او ما را از واقعیت فیزیکی به تصویر کشیده شده توسط ورورکیو و تصور هنرمندان دیگر از داوود به مخلوقی تاثیرگذار مانند داوودهایی که برنینی و میکل آنژ درست کردند تبدیل می‌کند. در حالی که داوود تیر و کمان را حمل می‌کرد و با غول پیکر مواجه شد و همه چیز برابر بود. دو دشمن به هم رسیده بودند. وقت بگذارید و فکر کنید چه چیزی تفاوت ایجاد می‌کند؟ چه چیزی داوود را به یک غول پیکر تبدیل کرد؟

### بخش ۳

**سوالات کاربردی:** ما باید در این داستان جاهایی را پیدا کنیم که بتوانیم آنها را در شرایط زندگی خودمان به کار ببریم. در پایان بخش ۱ به این فکر کردیم که در زندگی‌هایمان با چه غول‌هایی مواجه می‌شویم. این بار بیایید به لباسی که در زمان مواجهه با این غول‌ها باید بپوشیم توجه کنیم.

۱. غول‌هایتان را بررسی کنید - هر چیزی، افراد، موقعیت‌ها که می‌آیند و تهدیدهای وحشت‌آورشان را علیه شما فریاد می‌زنند:

---

۲. وقتی اسرائیلی‌ها با قهرمان فلسطین مواجه شدند با ترسی عظیم از او فرار کردند (آیه ۲۴). وقتی خودتان را در موقعیتی می‌یابید که شما را می‌خواند تا با این غول‌ها که مخالف چیزهای خدا و قوم خدا هستند الگوی رفتاری شما چیست؟

---

---

---

۳. شائول و جلیات زره داشتند. داوود سنگ و تیر و کمان داشت. زره شما برای جنگ با دشمن که مقابل لشکر خدای زنده می‌ایستد چیست؟

---

---

---

۴. جلیات قهرمان فلسطین بود. شما قهرمان خود را چه کسی می‌دانید؟ چه کسی برای شما به جنگ می‌رود؟ چه کسی شما را از دشمنان تان نجات می‌دهد؟

---

---

---

### به خاطر بسپاریم:

۱. در کتاب افسسیان در عهد جدید، پولس رسول درباره زره صحبت می‌کند، زره خدا. افسسیان ۶: ۱۰-۱۷ را بخوانید. ابتدا، او ما را تشویق می‌کند تا در خداوند و قدرت عظیم او قوی باشیم. در آیه ۱۱ به ما گفته شده که زره خدا را بپوشیم. او نمی‌خواهد که هیچ جای ما در برابر شریر آسیب‌پذیر باشد. او این را روشن می‌کند که قهرمان شرارت که علیه او می‌جنگیم شیطان است. در آیه ۱۲ پولس رسول مفصل بیان می‌کند که علیه چه کسی می‌جنگیم. مبارزه ما علیه چه کسی است؟

(الف)

---

\_\_\_\_\_ (ب)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (پ)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (ت)

\_\_\_\_\_

۲. خدا چه چیزی را فراهم می کند تا بتوانیم مقاومت کنیم (آیات ۱۴-۱۸)؟ بنابراین...

\_\_\_\_\_ (الف)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (ب)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (پ)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (ت)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (ث)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (ج)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (چ)

\_\_\_\_\_

خدا با قدرت و نیروی عظیمش به ما نیرو می‌بخشد، و به ما ثابت می‌کند که با زره او می‌توانیم با نقشه‌های شریر مبارزه کنیم. زره او کاملاً اندازه است. برای دوام آوردن و ایستادن تنها چیزی است که نیاز داریم. ما تشویق شده‌ایم تا این زره را از آن خود کنیم زره‌ای که به پوشیدن آن عادت کرده‌ایم. آیات ۱۳-۱۸ را روی کاغذ یادداشت بنویسید و سعی کنید این آیات را حفظ کنید، هنگام حفظ کردن، نسبت به تعلیم روح خدا در مورد قطعات عاشقانه‌ای که خدا در اختیار شما قرار می‌دهد و هر قطعه برای پیروزی در نبردهای شما به چه معناست، حساس باشید. شاید بخواهید با نقاشی کشیدن و لباس پوشاندن به آن با زره خدا چیزی بصری برای خود درست کنید.

**دعا:** ای خداوند، خدای من، هر روز درگیر جنگ با دشمن هستیم. فراتر از توانم برای جنگ و ایستادن با چالش رو به رو هستیم. به جای اینکه در مقابل آنهایی که با نام مقدس تو ضدیت می‌کنند بایستم فرار می‌کنم و از ترس آنچه دیگران فکر می‌کنند پنهان می‌شوم. دشمنان من اغلب آنهایی هستند که به افکار من حمله می‌کنند و رفتار و شخصیتم را فاسد می‌کنند. کلام تو زرهی به من می‌دهد که شریر نمی‌تواند در آن نفوذ کند. هر روز که بیدار می‌شوم این تجسم را به من بده که کمربند صداقت، سینه‌بند عدالت، کفش‌های آمادگی با خبر خوش آرامش، سپر ایمان، کلاه کلام و دعا را می‌پوشم. باشد که هر لحظه از هر روز با این مواجه باشم که آماده‌ام با دانستن و ایمان به اینکه تو نجات‌دهنده من هستی و بدون تو نمی‌توانم هیچ کاری انجام بدهم، زندگی کنم. برای آرامشی که دانستن اینکه با تو می‌توانم هر کاری را انجام دهم از تو ممنونم.

---

---

---

---

## بخش ۴

**مقدمه:** در حالی که به مطالعه‌مان درباره داوود و جلیات در اول سموئیل ۱۷: ۴۱ ادامه می‌دهیم، می‌بینیم که دشمن به داوود می‌رسد. در شرف این هستیم که بیاموزیم وقتی خدا در اول سموئیل ۱۶: ۷ می‌گوید که او به مسائل مانند انسان نگاه نمی‌کند، منظورش چیست. همچنین انسان به ظاهر نگاه می‌کند و خدا به قلب. غول پیکر فلسطین، جلیات، هیچ ذهنیتی از قلب انسان ندارد او در شرف رویارویی است.

**تکلیف:** دوباره اول سموئیل ۱۷: ۴۱-۵۱ را بخوانید.

## تمرین:

۱. جلیات چه کسی را با خود به مبارزه برد (آیه ۴۱)؟

---

۲. انسان به ظاهر نگاه می‌کند. جلیات چه چیزی دید؟

---

۳. فلسطینی از آن چیزی که دیده بود چه حسی داشت (آیه ۴۲)؟

---

۴. جلیات چه چیزی گفت که قلبش را نشان داد (آیات ۴۳-۴۴)؟

---

---

---

۵. پاسخ داوود چه بود؟ هر یک از قهرمانان چه چیزی آوردند (آیه ۴۵)؟

الف) جلیات \_\_\_\_\_

---

ب) داوود \_\_\_\_\_

---

جالب است که توجه کنیم که داوود خودش را دید که نه با زره سنگ و تیر و کمان بلکه در نام خداوند متعال، خدای لشکر اسرائیل دید.

۶. جلیات خودش را دید که به جنگ می‌آید تا فقط داوود را بکشد و برای خودش نامی بزرگتر بسازد. داوود می‌خواست که همه چه چیزی را بدانند (آیات ۴۶-۴۷)؟

---

---

---

---

۷. داوود پایان داستان را می‌دانست (آیه ۴۷). چه کسی قهرمان اسرائیل بود؟

---

۸. نتیجه چه بود؟

---

۹. در آیات ۴۸-۴۹ به ما گفته شده که فلسطین برای حمله نزدیک‌تر آمده بود. از طرفی دیگر داوود،

---

۱۰. داوود سنگ را رها کرد و به فلسطینی ضربه زد و قبل از اینکه او حتی بفهمد چه اتفاقی افتاده او را کشت. خلاصه کنید که در آیه ۵۰ چه اتفاقی افتاد:

---

جلیات حتی هنوز شمشیرش را هم از غلاف بیرون نکشیده بود. داوود شمشیر جلیات را بیرون کشید و با بریدن سرش او را کشت.

**تامل:** قهرمان دشمن مرده است. من از جنگ با غول‌هایم چه چیزی درباره دشمنانی که در درون من می‌جنگند یاد می‌گیرم؟

۱. آیا من هم مثل جلیات به سمت دشمن حرکت می‌کنم و او را به عنوان «جوان، سرخ رو و خوش ظاهر» دست می‌اندازم؟

۲. آیا من هم دشمن را به عنوان کسی که باید به او خنديد تحقیر می‌کنم؟

۳. یا، مثل داوود سریع با دانستن این موضوع که دشمن از من بسیار قوی‌تر است به سمت مبارزه می‌دویدم؟

۴. آیا با دانستن اینکه «خداوند نجات‌دهنده است؛ مبارزه از آن خداوند است» می‌دوم؟



## بخش ۵

تکلیف: اول سموئیل ۱۷: ۵۱-۵۸ را بخوانید.

### تمرین:

۱. جلیات مرده. حالا چه کسی بر می‌گردد و فرار می‌کند؟

---

۲. واکنش لشکر خدای زنده، مردان اسرائیل و یهودا چه بود (آیه ۵۲)؟

---

آنها فلسطینیان را \_\_\_\_\_ شهر جلیات دنبال کردند (اول سموئیل ۱۷: ۴)، و تا دروازه‌های \_\_\_\_\_.

توجه: اگر در آخر کتاب مقدس‌تان نقشه دارید، ممکن است جت و عقرون در نقشه به خطوط مرزی دوازده قبیله اسرائیل مشخص شده باشند.

۳. اسرائیلیان با کمپ لشکر فلسطین چه کردند (آیه ۵۳)؟ \_\_\_\_\_  
فلسطینیان فرار کردند. اینطور حسی وجود دارد که آنها فکر می‌کردند پیروزی از آن آنهاست و ایستاده تماشا می‌کردند. وقتی این اتفاق افتاد، آنها از ترس جان‌شان فرار کردند. به احتمال زیاد سلاح جنگی‌شان را جا گذاشتند. فلسطینیان در تکنولوژی پیشرفته بودند، به طور خاص در مورد چیزهایی که به آهن مربوط بود. تصور کنید وقتی اسرائیلیان کمپ فلسطین را غارت کردند چه چیزهایی پیدا کردند.

۴. چه اتفاقی برای سر جلیات افتاد (آیه ۵۴)؟

---

۵. زره فلسطینی را کجا نگه داشتند؟

---

## خاتمه:

۱. آیات ۵۵-۵۸ یک خاتمه به نظر می‌آید. این پایان داستانی است که سوالی بزرگ را بر می‌انگیزد: اگر زمانی روح شریب شائول را در بر می‌گرفت داوود او را خدمت می‌کرد چرا شائول او را نشناخت (آیات ۱۶: ۱۴-۲۳)؟ نه شائول و نه ابنیر، فرمانده لشکر، نمی‌دانستند او کیست. در آیه ۵۸ شائول از او می‌پرسد: \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ و داوود پاسخ می‌دهد

\_\_\_\_\_

با اینکه نمی‌دانیم چرا شائول او را نشناخت، می‌دانیم که این همان داوود است که خدا به سموئیل گفت به عنوان پادشاه آینده اسرائیل او را مسح کند، پسر یسای بیت لحمی. به یاد بیاورید در اول سموئیل ۱۶: ۸ یکی از خادمین شائول چه چیزی درباره داوود به او گفت: \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

**تکلیف:** شما ممکن است داستان داوود و جلیات را شنیده باشید اما هرگز واقعا داستان را از کتاب مقدس نخوانده باشید. دقایقی وقت بگذارید به مطالب زیر دقت کنید:

۱. حقایق مختلفی که درباره داستان آموختید.

۲. دیدگاهی نسبت به اینکه خدا کیست و چه رابطه‌ای با قومش می‌خواهد.

۳. دیدگاهی نسبت به اینکه انسان چطور است.

۴. یک نکته کاربردی که می‌توانید در زندگی خود بگنجانید.

درس سوم

# خداوند با او بود

داستان‌هایی از اول سموئیل ۱۸-۳۱

داوود، ابیجایل، و شائول

بررسی اجمالی درس ۳

بررسی

مقدمه

درس ۳: اول سموئیل ۱۸-۳۱

- |    |                          |
|----|--------------------------|
| ۳۹ | • چشمان حسود شائول       |
| ۴۰ | • موفقیت داوود           |
| ۴۱ | • داوود و نابال          |
| ۴۳ | • داوود و ابیجایل        |
| ۴۴ | • مرگ شائول              |
| ۴۵ | • وعده خدا: آینده و امید |

## مقدمه

نتیجه موفقیت داوود چه بود؟ چرا او در هر کاری که انجام می‌داد موفق بود؟ شاخه‌های موفقیت داوود چه چیزهایی بودند؟ واکنش شائول چه بود؟ در آخر باب اول سموئیل برای‌مان معلوم می‌شود که چه اتفاقی برای دوست داوود جاناتان و پدر او شائول پادشاه در جنگ علیه فلسطینیان افتاد.

واکنش خود را نسبت به موفقیت دیگران چه می‌دانید؟ علیرغم موفقیت داوود و تلاش پادشاه برای کشتن او، بیاموزید که داوود با مسح شده خدا چگونه رفتار می‌کند. حکمت الاهی به دست آورید و بیاموزید که یک نفر چگونه به موفقیت‌های خودش و موفقیت‌های دیگران نگاه می‌کند.

## بخش ۱

**تعلیم:** باب ۱۸ با معرفی شخصیتی جدید به نام یوناتان به ما شروع می‌شود، پسر شائول. داوود و یوناتان دوستان نزدیک و صمیمی می‌شوند. به ما گفته شده که یوناتان در روح با داوود یکی شد، او را دوست داشت، و با داوود عهد بست تا از دشمنان داوود مطالبه کند (اول سموئیل ۲۰: ۱۶-۱۷). به صورت تئوری، او به عنوان پسر پادشاه در نوبت پادشاهی بعد از مرگ پدرش بود. به دلیل گستردگی اطلاعات درباره داوود رابطه بین داوود و یوناتان را با جزئیات بررسی نخواهیم کرد. فقط کافی است که بگوییم، رابطه آنها تا آخر عمر ادامه داشت. شما ممکن است بخواهید بیشتر درباره یوناتان بدانید. منابع زیر به شما کمک خواهند کرد:

۱. اول سموئیل ۱۹: ۱-۷ - یوناتان به عنوان حامی داوود

۲. اول سموئیل ۲۰ - یوناتان داوود را از نیت پدرش برای کشتن او آگاه می‌کند

۳. اول سموئیل ۳۱: ۲ - مرگ یوناتان

۴. دوم سموئیل ۴: ۴ - مفیوشت پسر یوناتان (دوم سموئیل ۹)

**تکلیف:** اول سموئیل ۱۸: ۵-۱۷ را بخوانید.

**تمرین:** این چند آیه نشان می‌دهد که شائول با داوود چه رابطه‌ای داشته است:

۱. شائول چطور با داوود رفتار کرد؟

---

۲. چه چیزی درباره داوود یاد می‌گیرید؟

---

۳. مردم و افسران شائول چطور به داوود واکنش نشان دادند؟

---

۴. وقتی داوود از جنگ به خانه برگشت زنان چطور از او استقبال کردند (آیات ۶-۷)؟

---

---

۵. آنها چه چیزی خواندند؟

---

۶. در آیه ۸ سائول چه واکنشی نسبت به تقدیر آنها داشت؟

---

۷. آیه ۹ از یک کلمه با معنی استفاده می کند، آن کلمه چیست؟

---

ترجمه های مختلف از کلمات متفاوت استفاده می کنند. ترجمه NIV انگلیسی می گوید سائول «چشم حسود» به داوود داشت. در «دعوت خدا، نجات دهنده ما» از سری دروس CrossConnect درباره معنی حسود صحبت کرده ایم. اشاره شده کسی که حسادت می کند کسی است که می ترسد جایگزین شود. چرا سائول باید حسود باشد؟ چرا باید «چشم حسود» روی داوود داشته باشد؟

---

---

۸. اتفاقی بعدی که افتاد چه بود (آیات ۱۰-۱۱)؟

الف) برای سائول:

---

ب) برای داوود:

---

۹. بزرگترین ترس سائول چه بود (آیه ۱۲)؟

---

۱۰. راه حل سائول برای ترسش چه بود (آیه ۱۳)؟

---

۱۱. داوود یک جنگجو شده بود. به او درجه بالایی در ارتش داده شده بود و سربازان را در عملیات جنگی راهنمایی می کرد. او در هر کاری که انجام می داد موفق بود چون (آیه ۱۴) \_\_\_\_\_ .

۱۲. داوود موفق بود و واکنش شائول به او چه بود (آیه ۱۵)؟

---

## بخش ۲

**تعلیم:** در این باب کلمه موفقیت چندین بار استفاده شده است. ما اغلب موفقیت را از لحاظ اقتصادی، موقعیت شغلی، اموال، و مقام و منزلت می سنجیم. ارجاعات به موفقیت داوود به حکمت او اشاره می کنند. ترجمه های دیگر کتاب مقدس آیه ۱۴ را اینطور ترجمه می کنند، «و داوود در همه رفتار خود عاقلانه حرکت می نمود، و خداوند با وی می بود.» و آیه ۱۵ را اینطور «و چون شائول دید که او بسیار عاقلانه حرکت می کند، به سبب او هراسان می بود.»

در مزمور ۱۱۱: ۱۰ که ترس از خداوند شروع حکمت است. داوود در رابطه ای صمیمانه با خداوند زندگی کرد. او به خداوند احترام می گذاشت. او قوانین و احکام خدا را می دانست و رعایت می کرد و خداوند از طریق آن قوانین و احکام به داوود حکمت و فهم عطا کرد. از طرفی دیگر، شائول می دانست که روح خداوند او ترک کرده و حالا روح شریر بر او مسلط شده است. شائول برای دور کردن داوود از خودش او را رهبر هزاران مردی کرد که راهی جنگ شان می کرد. کارهای حکیمانه داوود باعث شد حضور خدا برای شائول و همه مردم آشکار شود. «و داوود در همه رفتار خود عاقلانه حرکت می نمود، و خداوند با وی می بود.»

**تأمل:** در بعضی از آیات اول سموئیل باب ۱۸ می بینیم که این دو مرد چقدر متفاوت بودند. داوود را می بینیم که در جنگ موفق است و شائول که به موفقیت داوود حسادت می کند و ترسیده. او می دانست که خداوند با داوود است ولی از او دور شده است. داوود را می بینیم که در حالی که چنگ می نوازد، در حال خدمت به شائول است و شائول نیزه خود را به سمت داوود پرتاب می کند تا «او را به دیوار زند.» و همیشه می بینیم که اسرائیل و یهودا داوود را دوست داشتند چون او (آیه ۱۶)

---

در آیه ۱۷ شائول به خودش می‌گوید، « دست من بر او دراز نشود بلکه دست فلسطینیان.» اگر او می‌توانست داوود را به جنگ بفرستد، فلسطینیان کاری که او می‌خواست انجام دهد را انجام می‌دادند. در اصل، شائول خود را با دشمن هماهنگ کرد تا خود را از تهدیدی که داوود برای او داشت خلاص کند. حسادت شائول در نهایت او را به سوی وسوسه قتل داوود برد.

### سوالات کاربردی:

۱. چه افرادی را می‌شناسید که حکیمانه عمل می‌کنند؟

---

۲. چه ترسی در شما به وجود می‌آید؟

---

۳. چه چیزی باعث ترس شما از دیگران می‌شود، شما را تهدید می‌کند و باعث می‌شود احساس کمتری داشته باشید؟

---

---

۴. اینکه بدانید خدا با شماست چه تفاوتی برای تان ایجاد می‌کند؟

---

---

---

### بخش ۳

**کاوش عمیق تر:** باب‌های باقی‌مانده از اول سموئیل شامل داستان‌هایی از تلاش‌های شائول برای کشتن داوود است، داوود برای زندگی‌اش در تلاش بود، استراتژی‌ها و جنگ‌ها، نبرد علیه دشمنان اسرائیل، و موقعیت‌هایی که داوود انتخاب کرد زندگی شائول را نجات دهد به جای اینکه او را بکشد. شاید برای تان خواندن این باب‌ها جالب باشد و بخواهید در دفترتان اسم‌ها و



مکان‌هایی که به آنها اشاره شده‌اند را نام ببرید. این لیست به شما کمک می‌کند تا با چیزهای ناآشنا گرفتار نشوید. اگر می‌خواهید موقعیت‌های مکانی مختلف را بدانید اپلیکیشن‌های کتاب‌مقدس را داشته باشید.

**تکلیف:** اول سموئیل ۱: ۲۵ را بخوانید. اول سموئیل ۱: ۲۵ می‌گوید سموئیل، مردی که داوود را برای پادشاهی تدهین کرد مرده است. بعد از اینکه او را در رامه دفن می‌کنند، داوود به بیابان فاران می‌رود. بیابان نگاهی مختصر به داستانی جالب که در همین باب آمده است بیندازیم.

۱. شخصیت‌ها را شناسایی کنید.

۲. درخواست داوود و پاسخ نابال چه بود؟

۳. واکنش ایبجایل چه بود؟

۴. عواقب و نتایج داستان چه بود؟

### تمرین:

۱. چه چیزی درباره نابال یاد می‌گیریم؟

---

---

---

۲. درباره ایبجایل یاد می‌گیریم (آیه ۳)؟

---

---

---

۳. در آیات ۴-۸ داوود برخی از مردان جوان خود را نزد نابال می‌فرستد تا از او درخواست علوفه کنند. داوود چه مقدمه‌ای را با مردان خود نزد نابال فرستاد (آیات ۵-۶)؟

---

---

---

۴. دومین بخش پیغام داوود به نابال چه بود (آیات ۷-۸)؟

---

---

---

۵. نابال چه پاسخی برای داوود فرستاد (آیات ۱۰-۱۱)؟

---

---

---

۶. پاسخ داوود به پیغام نابال چه بود (آیات ۱۲-۱۳)؟

---

---

---

۷. یکی از خادمین چه کاری با ایبجایل همسر نابال کرد (آیات ۱۴-۱۷)؟

---

---

---

۸. ایبجایل وارد عمل شد. او چه کاری کرد (آیات ۱۸-۱۹)؟

---

---

---

۹. داوود گفتن چه چیزی را تمام کرده بود (آیات ۲۰-۲۲)؟

---

---

---

۱۰. حالت ایبجایل در مقابل داوود چه بود (آیات ۲۳-۲۴)؟

---

---

---

۱۱. او از داوود چه درخواستی کرد و چه چیزی درباره همسرش نابال گفت (آیه ۲۵)؟

---

---

---

۱۲. در آیات ۲۶-۳۱ او چگونه درباره داوود صحبت می کند و چه احترامی برای خودش می سازد؟

---

---

---

## بخش ۴

**تامل:** دقایقی را صرف تفکر به ایبجایل کنید، هم اینکه چه گفت و هم اینکه چه کرد. ایبجایل نه تنها در برابر داوود از نظر جسمی تعظیم کرد (آیه ۲۳) بلکه با رفتاری فروتنانه هم مقابل او تعظیم کرد. کلمات خادم و ارباب نشان می دهند که او خود را در رابطه با داوود چگونه می دید. توجه کنید که چند بار کلمات خداوند من و آقای من در این آیات استفاده شده است. او به عنوان فردی صلح جو نزد داوود آمد. او برای جلوگیری از فاجعه حاضر همه حماقت و نادانی نابال را به دوش بکشد.

ایبجایل شفاعت خدا را پذیرفت که باعث شد داوود از خود انتقام نگیرد و باعث خونریزی نشود. او هدیه‌ای را که برای داوود و مردان او آماده کرده بود تقدیم کرد (آیه ۱۸). او تقاضا کرد به خاطر اهانتی که انجام داده بخشیده شود و در مقابل داوود تصدیق کرد که خداوند خاندانی ماندگار به او خواهد داد چون او در جنگ‌های خداوند جنگیده است. حتی با اینکه دیگری به دنبال گرفتن جان داوود بود او به داوود یادآوری کرد که خداوند او را حفظ می‌کند و ایمن خواهد بود. سپس او از دشمنان داوود صحبت کرد و سپس رویارویی او با جلیات را که فقط از یک تیر و کمان استفاده کرده بود را به او یادآوری کرد. سرانجام، او می‌گوید که زمان مناسب فرا می‌رسد و او به عنوان رهبر اسرائیل منصوب می‌شود و جدان او از گناه مبرا خواهد بود زیرا هیچ خون بی‌هوده‌ای ریخته نشده است و او انتقام خود را نگرفته است.

### سوالات کاربردی:

چقدر مشتاق هستم تا صلح را به ارمغان بیاورم و با به گردن گرفتن حرف‌ها و کارهای دیگری از فاجعه جلوگیری کنم، به طور خاص وقتی حرف‌ها و کارهای‌شان احمقانه است؟

---

---

---

---

### تمرین:

۱. پاسخ داوود یک اقرار چهار قسمتی از فیض خداست:

الف) آیه ۳۲: از خداوند

---

ب) آیه ۳۳: از ایبجایل

---

پ) آیه ۳۴: از خودش

---

ت) آیه ۳۴: از نابال و مردانش

---

داوود هدیه او را پذیرفت، او را به خانه فرستاد، و قول داد که به درخواست او عمل می‌کند (آیه ۳۵).

۲. وقتی ابیجایل به خانه رسید چه خبر بود (آیه ۳۶)؟

---

---

---

۳. صبح فردا چه اتفاقی افتاد (آیات ۳۷-۳۸)؟

---

---

---

۴. داستان چطور تمام می‌شود (آیات ۳۹-۴۲)؟

---

---

---

### کاربرد:

۱. داوود به دنبال ابیجایل فرستاد و از او خواست که همسرش شود. آیه ۴۱ چه چیزی به ما می‌گوید؟

---

---

---

۲. ابیجایل با فروتنی می‌گوید که همسر داوود شدن برای او یک افتخار است. او آماده بود تا داوود را خدمت کند و پاهای خادمین او را بشوید.

الف) کلام و عملکرد او از چه لحاظ با دیدگاه های جامعه در مورد روابط زناشویی همخوانی دارد؟

---

---

ب) کلام و عملکرد او از چه لحاظ با دیدگاه های شخصی شما در مورد روابط زناشویی همخوانی دارد؟

---

---

## بخش ۵

**مقدمه:** از سائول چگونه یاد خواهد شد؟ از زمان جلیات تا زمان مرگش سائول مدام در فکر داوود بود. سائول مردی بود که در ترس و حسادت زندگی کرد. او می دانست که داوود روح خدا را دارد، روحی که او هم زمانی داشت. سپس خدا انتخاب کرد که سموئیل آن پسر چوپان جوان یعنی داوود را به عنوان پادشاه بعدی تدهین کند. سائول در عصبانیت خود در پی این بود که داوود توسط فلسطینیان در جنگ کشته شود، اما به عنوان یک مرد ناامید، سائول داوود را برای کشتن او تا زمانی که به سختی توسط فلسطینیان مجروح شد، تعقیب کرد.

**تکلیف:** اول سموئیل ۱: ۳۱ را بخوانید.

### **تمرین:**

۱. فلسطینیان با اسرائیل جنگیدند و آنها را تعقیب کردند. در آیات ۱-۳ چه اتفاقاتی افتاد؟

الف) برای اسرائیلیان:

---

---

ب) برای یوناتان و برادرانش:

---

---

پ) برای سائول:

---

---

۲. سائول از سلاحدار خود خواست که چه کاری انجام دهد؟ (آیه ۴)

---

۳. او رسیده بود و اطاعت نمی کرد. سائول تصمیم گرفت چه کاری انجام دهد؟

---

۴. سائول مرده بود. سلاحدار او چه کاری انجام داد؟

---

۵. خلاصه آنچه که در آن روز در آیه ۶ اتفاق افتاد را بنویسید:

---

---

---

۶. عواقب شکست لشکر اسرائیل و مرگ سائول و پسرانش چه بود (آیه ۷)؟

---

---

۷. آیات ۸-۱۰ جزئیات وحشت آوری درباره جنگ را ارائه می دهند. فلسطینیان آمدند تا مردگان را غارت کنند. آنها چه چیزهایی پیدا کردند؟

---

---

۸. آنها چه کاری انجام دادند؟

---

---

۹. وقتی مردم یابیش جلعاد (اسرائیلیان) شنیدند که فلسطینیان چه کاری با شائول کرده‌اند چه کاری انجام دادند؟

---

---

---

## تامل:

این روز تلخی در تاریخ اسرائیل است. چگونه از شائول یاد کردند؟ باب‌های اول سموئیل تصویری زیبا از مردی که همه چیز داشت اما بدون هیچ چیزی مُرد را ارائه نمی‌دهند. قدرت مردانگی او به عنوان پادشاه و یک رهبر از بین رفته بود. او تصویری از یک لشکر شکست خورده بود که زمانی آن را رهبری می‌کرد و حالا شهرهای آنها را رها و فرار کرده بود. فلسطینیان اسرائیلیان را اشغال کردند، اموال آنها را غارت کردند و با پادشاه‌شان و پسرهای او مثل غنیمت رفتار کرده و اجساد آنها را از دیوارها آویزان کردند.

سلطنت شائول بازتاب روزهای سیاه اسرائیل تحت آزار و اذیت مداوم ارتش فلسطین بود. شائول می‌دانست که خدا با داوود است. او می‌دانست که مردم برای تجلیل از داوود سرود خواندند، یعنی قهرمان‌شان که در نبرد قدرتمند بود.

بدون شک، بزرگترین نشانه شکست برای شائول این بود که شمشیر خود را برداشته و بر روی آن بیفتد. شائول زندگی را بدون هیچ امیدی به پایان رساند. نبرد شکست خورده بود و پسرانش مرده بودند. لشکر او در فرار بودند و او از مرگی اینگونه ترسیده بود، «مبادا این نامختونان آمده، مرا مجروح سازند و مرا افتضاح نمایند.»

## بخش ۶

**کاربرد:** وقتی امیدی وجود ندارد زندگی چگونه به نظر می‌رسد؟ وقتی زندگی هدف و معنایی ندارد، امید کجاست؟ بزرگترین تضاد بین این دو مرد یعنی شائول و داوود این بود که شائول فقط به امید مرگ داوود زندگی کرد. از طرفی دیگر داوود، به امید زندگی و آینده در رابطه خود با خداوند، خدای زنده خود زندگی می‌کرد (اول سموئیل ۱۷: ۳۶).

۱. من امید را کجا پیدا می‌کنم؟ امید خود را بر چه چیزی بنا می‌کنم؟



---

---

۲. چه چیزهایی در زندگی من هستند که نمایانگر امید و آینده‌ام هستند؟

---

---

---

۳. پیغام خوش خدا را برای هر یک از ما در نظر بگیرید. ارمیای نبی در ارمیا ۲۹: ۱۱ اینطور می‌نویسد، «فکرهایی را که برای شما دارم می‌دانم که فکرهای سلامتی می‌باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم.» سپس در آیات ۱۲ و ۱۳ خدا ما را تشویق می‌کند، مرا \_\_\_\_\_ و آمده نزد من \_\_\_\_\_ و او وعده می‌دهد که، و من شما را \_\_\_\_\_ . مرا خواهید \_\_\_\_\_ و چون مرا \_\_\_\_\_ مرا \_\_\_\_\_ .

۴. وعده خدا برای امید و آینده ممکن است چه تغییری در مسیری که من در آن زندگی می‌کنم ایجاد کند؟

---

---

---

**دعا:** چون خداوند سخاوتمندانه به من وعده آینده و امید را می‌دهد، من دعای تجلیل و سپاسگزاری خود را تقدیم او می‌کنم:

---

---

---

---

---

**به خاطر بسپاریم:** مزمور ۴۲ و ۴۳ یک آیه را سه بار تکرار می‌کنند. مزمور ۴۲: ۵ و ۱۱ و مزمور ۴۳: ۵ را روی یک کاغذ یادداشت بنویسید. شما زندگی داوود را به عنوان یک جنگجو و به عنوان یک مرد فراری در برابر شائول پادشاه مطالعه کرده‌اید. در حالی که این کلمات را می‌خوانید به قلب مزمورنویس که روح فرد شکست‌خورده را توصیف می‌کند توجه کنید. مزامیر ۴۲ و ۴۳ را بخوانید و این آیات را حفظ کنید. گاهی اوقات می‌توانیم احساس کنیم که بی‌وقفه توسط دشمنانمان تعقیب شده‌ایم. می‌توانیم دلسرد و افسرده شویم. این موضوع برای داوود هم متفاوت نبود. مزمورنویس نشان می‌دهد که پادزهر احساس یاس و ناامیدی ستایش اوست که نجات‌دهنده و خدای زنده ما است. روی کاغذ یادداشت‌تان کلماتی را که به خاطر می‌آورید بنویسید، کلماتی که سپاسگزاری شما از خدا برای حضورش، محافظتش، و قدرتی که در زندگی‌تان کار می‌کند، بیان می‌کنند را یادداشت کنید.

درس چهار

# خداوند بر اسرائیل خدا است

دوم سموئیل ۱-۱۳ - داوود و اسرائیل

بررسی اجمالی درس ۴

بررسی

مقدمه

درس ۴: دوم سموئیل ۱-۱۳

- |    |                               |
|----|-------------------------------|
| ۵۵ | • پادشاهی داوود برقرار می شود |
| ۶۰ | • داوود و بتشبع               |
| ۶۵ | • داوود و ناتان               |
| ۶۸ | • داوود و ابشالوم             |

## مقدمه

سرانجام داوود به عنوان پادشاه اسرائیل تعیین شد. این روند طولانی و سخت بود. لازم بود رهبری قدیمی با انتخاب‌های داوود جایگزین شود. ببینید که چگونه این روند پیش از آنکه داوود توسط مردم به عنوان پادشاهشان شناخته و صلح در این کشور حکم فرما شود انجام شد.

داوود به عنوان یک مرد، یک پدر، و پادشاه اسرائیل چگونه بود؟ به ما گفته شده که داوود مردی بود که به دنبال قلب خدا بود اما زندگی کاملی نداشت. زندگی او با کمبودها و شکست‌ها به عنوان یک پدر ناقص بود. واکنش خدا نسبت به رابطه داوود و بتشبع چه بود؟ عواقب آن چه بود؟ آیا او بخشیده شده بود؟ آیا رابطه احیا شده بود؟ آیا او قادر بود بر تخت باقی بماند؟

رحمت خدا عظیم است. حتی وقتی که داوود پریشان بود اینطور گفت، «در شدت تنگی هستم. تمنا اینکه به دست خداوند بیفتیم زیرا که رحمت‌های او عظیم است...» خدا رحیم است. رحمت خدا بر اساس این نیست که انسان کیست بلکه بر اساس این است که خدا کیست. صفت خدا، ذات هویت او، این است که رحمت را نشان می‌دهد. اما آیا رحمت خدا عواقب را از بین می‌برد؟ خدا رحمت را می‌بخشد نه به خاطر اینکه رحمت چیزی است که لایق آن بوده‌ایم یا آن را به دست آورده‌ایم بلکه به این دلیل که بخشنده رحمت یعنی خدا، انتخاب می‌کند که کار دیگری انجام ندهد مگر اینکه به آنهایی که در رابطه‌ای محبت‌آمیز با او زندگی می‌کنند رحمت ببخشد.

## بخش ۱

**تعلیم:** اسرائیل بدون پادشاه است. شائول مرده است. حالا داوود خبر مرگ شائول و دوست عزیزش یوناتان را شنیده است. در دوم سموئیل ۲: ۱ داوود از خداوند می پرسد که کجا باید برود. خداوند او را به حبرون می فرستد. او خانواده خود را در حبرون و شهرهای آن مستقر می کند. مردان یهودا می آیند و او را به عنوان پادشاه خاندان یهودا مسح می کنند. حالا وقت بگذارید و حبرون را از روی نقشه خود پیدا کنید. این شهر در جنوب بیت لحم و در شرق دریای مرده قرار دارد.

مهم است که بدانیم ارجاعات به اسرائیل و خاندان یهودا است. یک نمونه در دوم سموئیل ۲: ۴ می بینیم. «مردان یهودا آمده، داوود را در آنجا مسح کردند، تا بر خاندان یهودا پادشاه شود.» با نگاه به نقشه ای که تقسیم بندی دوازده قبیله را نشان می دهد، به راحتی می توان دید که قسمت وسیعی از زمین ها متعلق به یهودا است. همینطور متوجه می شوید که حبرون در یهودا قرار دارد. حالا داوود به باقی اسرائیل نیاز دارد، مردم دیگر قسمت های اسرائیل که آنها هم با داشتن داوود به عنوان پادشاه شان موافقت کنند. به عنوان پادشاه، داوود همه مردم آن سرزمین را متحد کرد و همه اسرائیل در زمان حکومت داوود و پسرش سلیمان متحد باقی ماندند.

چیزی که در چند باب بعدی اتفاق می افتد گماردن داوود بر تخت سلطنت به عنوان پادشاه است. این روند نیازمند برکناری و حتی مرگ اعضای خانواده، فرماندهان نظامی، و اشخاص وفادار به پادشاه قبلی بود. این یعنی تصاحب کنیزها و کنار گذاشتن هر کسی که تهدیدی بالقوه برای پادشاهی جدید بود. در حالی که به شش باب دوم سموئیل نگاه می اندازیم، یک بررسی اجمالی از این روند خواهیم داشت.

**تکلیف:** دوم سموئیل ۲: ۴-۷ را بخوانید. این اولین تلاش داوود برای یکپارچه کردن حمایت مردم است.

## **تمرین:**

۱. به یاد بیاورید مردان یابیش جلعاد چه کاری انجام دادند (اول سموئیل ۳۱: ۱۱-۱۳):

---

۲. داوود سه بخش را در پیام خود به آن مردان دخیل کرد:

الف) آیه ۵:

---

ب) آیه ۶:

---

پ) آیه ۷:

---

**تعلیم:** پیام او در اساس از آنها برای وفاداری‌ای که به شائول نشان داده بودند تشکر می‌کرد و از خداوند خواست تا برای کارهایی که انجام داده‌اند به آنها برکت دهد. سپس داوود از خداوند خواست تا به آنها محبت پایدار و وفاداری نشان دهد. او قول داد که خودش هم همین کار را انجام دهد. سپس او با دادن این خبر که خاندان یهودا او را به عنوان پادشاه‌شان مسح کرده‌اند، مردان یابیش جلعاد را دلگرم کرد.

این پیام اولین اقدام داوود برای اسرائیلیان در شمال بود که از آنها خواست او را به عنوان پادشاه‌شان بپذیرند. در هر صورت، محققین می‌گویند ممکن است قبایل شمالی بعد از ۵ سال جواب داده باشند. در دنیایی که ارتباطات بر حسب نانو ثانیه منتقل می‌شود، این فرایند تایید داوود به عنوان پادشاه آنها ممکن است پوچ و حتی احمقانه به نظر برسد.

**تمرین:** حالا اینجا یک پیچیدگی وجود دارد. ابنیر فرمانده لشکر شائول و ایشبوش پسر داوود بود. ابنیر ایشبوش را آورد و او را پادشاه اسرائیل کرد تا سلطنت را به پسر زنده مانده شائول برساند (دوم سموئیل ۲: ۸-۱۱).

۱. نبرد بین خاندان شائول و خاندان داوود مدت زیادی طول کشید (دوم سموئیل ۳: ۱). اما در آیه ۱ چه چیزی در مورد این دو خاندان به ما گفته شده است؟

---

---

---

۲. ابنیر به داوود وفادار می‌شود و رابطه‌اش با ایشبوشت را به خاطر تهمتی که ایشبوشت به ابنیر می‌زند تمام می‌کند (دوم سموئیل ۳: ۶-۱۱). تهمت چه بود؟

---

---

---

**تعلیم:** تهمتی که ایشبوشت به ابنیر زد این بود که با کنیزی به اسم رصفه رابطه دارد و می‌خواهد پادشاهی را از او بگیرد. آیه ۶ می‌گوید که مقام ابنیر در خاندان شائول قوی‌تر شده بود. ایشبوشت توسط ابنیر تهدید شده بود. ابنیر با خشم وفاداری‌اش را از خاندان شائول به خاندان اسرائیل داد و شروع به کار برای انتصاب داوود بر تخت در تمام اسرائیل کرد، از دان (شمال) تا بئر شبع (جنوب).

### تمرین: دوم سموئیل ۳

۱. ابنیر در آوردن تمام اسرائیل تحت پادشاهی داوود فعال بود (آیه ۱۲ و آیات بعدی). داوود از او چه چیزی خواست (آیات ۱۳-۱۶)؟

---

۲. یوآب فرمانده لشکر داوود بود. در باب ۲ خواندیم که ابنیر برادر یوآب را کشت. در پایان باب ۳ می‌خوانیم که یوآب ابنیر را به قتل می‌رساند تا انتقام خون برادرش را بگیرد. داوود از یوآب به خاطر قتل ابنیر انتقام نمی‌گیرد. با اینکه داوود پادشاه شده بود، اما هنوز ضعیف بود. در آیه ۳۹ او از خدا چه می‌خواهد؟

---

۳. پسر شائول در دوم سموئیل باب ۴ به قتل می‌رسد و سرانجام در دوم سموئیل باب ۵ داوود به عنوان پادشاه تمامی قوم خدا شناخته می‌شود. او باید \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ مردم اسرائیل می‌بود (آیه ۲).

۴. چه کسی در اورشلیم زندگی کرد (آیه ۶)؟ \_\_\_\_\_ .

اورشلیم شهری بود که بر روی تپه‌ای به نام \_\_\_\_\_ قرار داشت.

۵. یبوسیان معتقد بودند که داوود قادر نیست قلعه نظامی‌ای که بر روی صهیون بنا شده بود را بگیرد. آیه ۷ چه چیزی به ما می‌گوید؟

---

۶. در آیات ۹-۱۶ چه چیزی درباره داوود می‌آموزیم؟

---

---

---

۷. در دوم سموئیل ۶: ۱۴-۱۵ می‌خوانیم که شادی عظیمی از آمدن تابوت عهد به شهر داوود برقرار بود. چه کلماتی این جشن را توصیف می‌کنند؟ \_\_\_\_\_

---

---

۸. داوود در دوم سموئیل ۷: ۲ شاهد چه چیزی بود؟

---

۹. کلام خداوند بر ناتان نبی آمد (آیات ۵-۱۶). این آیات را به دقت بخوانید و با کلمات خود بگویید که خداوند می‌خواست داوود چه چیزی را بداند: \_\_\_\_\_

---

---

۱۰. بعد از اینکه ناتان همه چیز را به داوود گفت، داوود «به حضور خداوند نشست (آیه ۱۸)». بعضی از چیزهایی که داوود درباره خداوند گفت چه بودند (آیه ۲۲ و آیات بعدی)؟ \_\_\_\_\_

---



---

---

۱۱. به استفاده مداوم داوود از کلمه خادم توجه کنید. به عنوان یک پادشاه او خود را خادم خداوند می دانست. این طرز فکر چه تفاوتی می تواند در نحوه حکومت او به عنوان پادشاه اسرائیل ایجاد کند؟

---

---

۱۲. حکومت داوود پر است از پیروزی ها (دوم سموئیل ۸ و ۱۰). در بین این باب ها، به هر حال، بخش جدیدی به ما معرفی می شود. داوود در دوم سموئیل ۹: ۱ درخواست چه چیزی دارد؟

---

---

۱۳. صیبا، یکی از خادمین خاندان شائول نزد داوود آورده شد. او در آیه ۳ چه چیزی به داوود می گوید؟

---

---

۱۴. مفیوشت نزد داوود آورده شد (آیه ۶). داوود چه قولی به مفیوشت داد؟ چطور با او رفتار شد (آیات ۷-۱۳)؟

---

---

**نتیجه گیری:** پادشاهی داوود توسط خداوند برقرار شده بود. این موضوع آنطور که ما فکر می کنیم آسان نبود و یک شبه اتفاق نیفتاد. ما داوود را در این درس در اوج حکومتش رها می کنیم. به او همه چیز داده شده بود، و تنها چیزی که می توانست بپرسد این بود، «من کیستم و خاندان من چیست که مرا به این مقام رسانیدی؟» تابوت عهد، تمثال جسمانی حضور خداوند در اورشلیم بود. صلح در آن سرزمین برقرار بود. دشمنان آنها شکست خورده بودند. خدا داوود را به عنوان پادشاه خودش مقرر کرده بود و خدا قوم خود اسرائیل را برای خودش مقرر کرده بود. او خدای آنها بود. چیزی که برای داوود اهمیت داشت این

بود که نام خداوند همیشه بزرگ باقی بماند. «ای خداوند من، چقدر با عظمت هستی! هرگز نشنیده‌ام که خدایی مثل تو وجود داشته باشد...» باشد که دعای داوود اعتراف ما باشد. او خدای ماست و ما قوم اویم. تمام جلال و تکریم از آن خدا باد.

## بخش ۲

**مقدمه:** داستان داوود و بتشیع، مثل داستان داوود و جلیات، بسیار معروف است. این داستان در دوم سموئیل ۱۱-۱۲: ۲۵ آمده. خدا داوود را با بهترین هایش برکت داده بود. هر چیزی که او درباره‌اش رویایی داشت و یا آن را خواسته بود در زندگی‌اش اتفاق افتاد. خداوند اسرائیل را بر دشمنانش پیروز ساخت. خدا در جنگ‌ها برای قوم خود جنگید. زندگی و روزگار خوب بود.

**تکلیف:** دوم سموئیل ۱۱: ۱-۲۷ را بخوانید.

- شخصیت‌ها چه کسانی هستند؟
- چه اشتباهاتی رخ داد؟
- بر چه چیزهایی سرپوش گذاشته شده بود؟
- گزارش یوآب به داوود چه بود؟

## **تمرین:**

۱. در آیه ۱ چه وقتی از سال است؟ \_\_\_\_\_ و چه اتفاقی در این وقت از سال می‌افتد؟

---

---

۲. پادشاه \_\_\_\_\_ و خادمینش را با \_\_\_\_\_ بیرون فرستاد.

۳. چه چیزی درباره‌ی داوود به ما گفته شده (آیه ۱)؟

---

۴. داوود وقت داشت. وسوسه چه بود (آیه ۲)؟

---

---

---

۵. بتشبع چه کسی بود (آیه ۳)؟ چه چیزی درباره او یاد می‌گیریم؟

---

---

---

۶. دستور داوود چه بود (آیه ۴)؟

---

---

---

۷. او را نزد داوود آوردند؛ داوود با او رابطه برقرار کرد؛ او به خانه رفت و چه پیغامی برای داوود فرستاد (آیه ۵)؟

---

---

---

۸. در آیه ۶ داوود به یوآب دستور داد تا اوریا را نزد او به اورشلیم بفرستد. بعد از پرس و جو درباره سربازها و اینکه جنگ چگونه پیش می‌رود، داوود به اوریا گفت چه کاری انجام دهد (آیات ۷-۸)؟

---

---

---

۹. آیه ۹ با کلمه «اما» شروع می‌شود. همه چیز تا الان مطابق برنامه داوود پیش رفته است. اما چه؟

---

---

---

۱۰. وقتی داوود از اوریا پرسید چرا به خانه نزد همسرش بتشبع نرفته، پاسخ اوریا چه بود (آیات ۱۰-۱۱)؟

---

---

---

---

۱۱. اوریا که ناامید بود، توسط داوود تشویق شد تا یک روز بیشتر بماند. او از اوریا دعوت کرد تا بخورند و بنوشند تا زمانی که او مست شد. یک «اما» دیگر اتفاق افتاد. در آیه ۱۳ چه چیزی درباره اوریا گفته شده؟

---

---

۱۲. نقشه اول داوود عملی نشد. او اوریا را با یک نامه نزد یوآب فرستاد. نامه داوود چه می گفت؟

---

---

---

۱۳. در آیات ۱۶-۱۷ چه اتفاقی برای اوریا افتاد؟

---

---

۱۴. پیام یوآب به داوود چه بود؟

---

---

---

۱۵. قاصد همه آن چیزی که یوآب به او گفته بود را گزارش داد. داوود پیام یوآب را دریافت کرد و پاسخ او چه بود (آیه ۳۵)؟

---

---

---

۱۶. این بخش از داستان چطور تمام می شود (آیات ۲۶-۳۷)؟

---

---

---

۱۷. و در آخر باب ۱۱ به ما گفته شده که

---

**تامل:** کمی وقت بگذارید و به چیزی که اتفاق افتاده فکر کنید. تا به اینجا داوود یک شخصیت الگو است، یک پادشاه ایده‌آل. در اول سموئیل ۱۳: ۱۴ می‌خوانیم که «خداوند شخص دلخواه خود را پیدا خواهد کرد تا او را رهبر قومش سازد...» این مرد داوود بود، او چه کاری انجام داد؟ واکنش شما به این داستان چیست؟

---

---

---

چه چیزی دربارهٔ وسوسه یاد می‌گیریم؟ داوود وقت داشت. او به خودش اجازه داد تا به بتشیع نگاه کند و نسبت به او شهوت داشته باشد. داوود؟! قهرمان اسرائیل و حالا پادشاه اسرائیل. همان مردی که با جلیات رو به رو شد، کسی که با نیزهٔ شائول به دیوار زده شد، و کسی که قتل مسح شدهٔ خدا را زمانی که فرصت آن را داشت رد کرد... داوود مردی بود که همه چیز داشت. چرا باید برای چیزی که از آن او نبود شهوت می‌داشت، یعنی زن اوریا؟ و شهوتش باعث شد تا با بتشیع خیانت کند. آیا داوود کمبود همسر و کنیز داشت؟ ما زنان او میکال و ابیجایل را می‌شناسیم. دوم سموئیل ۵: ۱۳ به ما دربارهٔ کنیزان و دیگران زنان او می‌گوید.

داوود، چه اتفاقی افتاده؟

---

---

---

---

یک اتفاق منجر به اتفاق بعدی شد. داوود وسوسه شد تا بر گناهش سرپوش بگذارد پس دستور داد تا اوریا به اورشلیم برگردد که برای مدت طولانی‌ای دور باشد تا او بتواند با همسرش رابطه برقرار کند. وقتی این اتفاق نیفتاد داوود متوجه شد اگر اوریا مست شود عقایدش را رها می‌کند. اما این هم اتفاق نیفتاد. پس داوود متوسل به قتل شد. او حتی پیام قتل اوریا را به دست خودش داد تا یوآب بدهد. بعد از مرگ اوریا و پایان زمان عزاداری داوود بتشیع را نزد خود می‌آورد. او زن داوود می‌شود و برایش پسری به دنیا می‌آورد.

**تعلیم:** بیاید یک داستان برابر را بررسی کنیم. اولین بخش مطالعه کتاب مقدس از سری درس‌های CrossConnect به نام «نقشه خدا، انتخاب ما». پیدایش ۱ و ۲ داستان تمام چیزهایی که خدا خلق کرد و سپس به آدم و حوا داد را می‌گوید. او باغ عدن را به آنها داد. در کنار تمام چیزهایی که به آنها بخشیده بود، دستور داد آنها اجازه ندارند از میوه درخت نیک و بد بخورند. ولی ما می‌دانیم که داستان چطور تمام شد. با وجود اینکه خدا همه چیز بخشیده بود، آنها به وسوسه اجازه دادند و تنها چیزی را که خدا به آنها نداده بود گرفتند، آن چیزی که خدا به آنها دستور داده بود که نخورند. همه عالی بود. چیزی بهتر از آن نمی‌توانست باشد. تمام چیزهایی که خدا آفریده بود از آن آنها بود تا لذت ببرند.

اما این را هم می‌دانیم به محض اینکه آنها گناه کردند، داستان سرپوش گذاشتن‌شان شروع شد. یکی دیگری را به خاطر آنچه که انجام داده بودند سرزنش کردند. آنها سعی کردند پنهان شوند. برهنه و شرمسار بودند، و بنابراین خودشان را با برگ‌های انجیر پوشاندند. چیزی که به عنوان نتیجه گناه آنها اتفاق افتاد. اما کسی که آنها سعی می‌کردند از او پنهان شوند به دنبال‌شان بود. گناه ما را از خدا و دیگران دور نگه می‌دارد. گناه ما را از اقرار شرمساری و فسادمان به خودمان دور نگه می‌دارد.

وقتی خدا به دنبال ماست نمی‌خواهد ما را مجازات کند. چیزی که در مرحله بعد اتفاق می‌افتد مجازات خدا نیست بلکه بیان خدا درباره عواقب گناه ماست. خدا به آدم و حوا اعلام کرد که نتیجه گناه مرگ است. داستان اینجا خاتمه نمی‌یابد. خدا همچنین آنها را از محبت خودش مطمئن کرد. او به آنها وعده نجات‌دهنده‌ای را داد (پیدایش ۳: ۱۵). نجات‌دهنده‌ای که آنها را از مرگ ابدی نجات می‌دهد و به آنها حیات ابدی همراه با او خواهد داد. وقتی به داستان داوود و بتشبع بر می‌گردیم به عواقب گناه و بیان محبت خدا که از طریق ناتان نبی به داوود رسانده شده بود نگاه کنید.

**تکلیف:** دوم سموئیل ۱۲: ۱-۱۹ را بخوانید.

### تمرین:

۱. در آیات ۱-۴ ناتان داستانی را برای داوود تعریف می‌کند. از زبان خودتان بگویید که داستان ناتان چه بود؟

---

۲. واکنش داوود به داستان چه بود (آیه ۵)؟

---

۳. داوود بیان کرد که چه عواقبی باید متوجه آن مرد باشد (آیات ۵-۶)؟

---

---

---

۴. سپس ناتان به داوود گفت، «\_\_\_\_\_».

۵. ناتان آنچه را که خداوند خدای اسرائیل گفته بود به داوود گفت (آیات ۷-۸):

\_\_\_\_\_ (الف)

---

---

\_\_\_\_\_ (ب)

---

---

\_\_\_\_\_ (پ)

---

---

\_\_\_\_\_ (ت)

---

---

۶. آیه ۸ چگونه تمام می‌شود؟

---

۷. سوال نهایی در آیه ۹ چیست؟

---

۸. به نظر می‌رسد که خداوند می‌گوید، «داوود بیا کاری را که انجام داده‌ای بررسی کنیم.» حرف ناتان از جانب خداوند در قسمت دوم آیه ۹ چه بود؟

---

---

---

۹. عاقبت کار داوود که کلام خداوند را حقیر می‌شمرد و آنچه که شریک است را در مقابل چشمان او انجام می‌دهد چیست (آیه ۱۰)؟

---

۱۰. آیات ۱۱ و ۱۲ کلمات سختی برای شنیدن هستند. خدا به داوود می‌گوید چه اتفاقی خواهد افتاد. او مصیبتی را بر سر داوود خواهد آورد. چه اتفاقی خواهد افتاد؟

---

---

---

توجه: به تحقق پیوستن این نبوت را بعداً در درس خواهیم دید.

۱۱. داوود چه چیزی را به ناتان اعتراف می‌کند (قسمت اول آیه ۱۳)؟

---

۱۲. پاسخ فوری ناتان چه بود (قسمت دوم آیه ۱۳)؟

---

---

---

۱۳. در نهایت، آخرین چیزی که ناتان قبل از ترک داوود به او می‌گوید چیست (آیه ۱۴)؟

---

---

---



۱۴. آیات ۱۵-۱۹ دربارهٔ غم و دردی که سریع اتفاق می‌افتد می‌گوید:

(الف) برای بچه

---

(ب) برای داوود

---

(پ) برای مشایخ خاندان او

---

(ت) برای خادمین

---

**تأمل:** چه روز غم‌انگیزی. پادشاهی که همه چیز داشت از علو و عظمت خود محروم است و برای زندگی بچه‌اش به خدا التماس می‌کند. او غذا نمی‌خورد و به جای اینکه بر تخت سلطنتی‌اش باشد خود را روی زمین انداخته. بزرگان خاندانش قادر نیستند به او مشورت دهند. او به حرف خادمینش گوش نمی‌دهد و حالا همین خادمین می‌ترسند به او بگویند که بچه مرده است. اما داوود در قلبش می‌داند که خداوند آنچه را گفته انجام داده است.

قلب‌های ما برای فقدان این پدر و مادر به درد می‌آیند. حتی می‌توانیم حس کنیم که خداوند با آنها بسیار خشن بوده. می‌توانیم فکر کنیم که بخشش خدا باید شامل حال زندگی آن بچه می‌شد. ناتان نزد او رفت و خدا داوود را وادار کرد تا به گناهش اعتراف کند. داوود حکم و مجازات خود را اعلام کرد. «چون دلش به حال آن بیچاره نسوخت، باید به جای آن بره، چهار بره به او پس بدهد.» ناتان خبرهای بد زیادی را آورده بود:

۱. شمشیر از خانهٔ تو هرگز دور نخواهد شد.

۲. از خانهٔ خودت بدی را بر تو عارض خواهیم گردانید.

۳. پسری نیز که برای تو زاییده شده است، البته خواهد مرد.

و خداوند داوود را وادار کرد که اعتراف کند: «به خداوند گناه کرده‌ام.» از تمام خطاهایی که داوود انجام داد، آخرین آنها در هم شکستگی‌ای بود که گناهش بر رابطهٔ او با خداوند آورد. اگر داوود هرگز روبرو نمی‌شد و اعتراف نمی‌کرد که در برابر

خداوند گناه کرده است، چه اتفاقی برای روابط آنها می‌افتاد؟ در هم‌شکستگی پابرجا بود و آنها را از هم جدا می‌کرد. در هر صورت، خداوند، به دنبال داوود می‌آید تا او را با گناهش مواجه کند، نه به این خاطر که بی‌ارزش بودنش را به او نشان دهد، بلکه در عوض به عنوان فرزند بخشیده شده‌اش به داوود ارزش او را یادآوری کند.

## بخش ۴

**مقدمه:** در دوم سموئیل ۱۲: ۱۱-۱۲ ناتان از مصیبتی که از خانه خود داوود بر او می‌آید سخن گفت. داستان از دوم سموئیل باب ۱۳ شروع می‌شود و در دوم سموئیل باب ۱۸ تمام می‌شود. ما داستان را با جزئیات مطالعه نخواهیم کرد ما شما را تشویق می‌کنیم تا هر یک از این باب‌ها را بخوانید که بینش و درکی از آنچه که اتفاق افتاد به دست آورید. داستان با سه فرزند داوود شروع می‌شود - نخست‌زاده داوود امنون، خواهر ناتنی امنون، تمار، و برادر ناتنی‌اش ابشالوم.

**تکلیف:** دوم سموئیل ۱۳: ۱-۲۲ را بخوانید.

## **تمرین:**

۱. آیات ۱-۲؛ مشکل چه چیزی است؟

---

۲. آیات ۳-۹؛ یوناداب برادرزاده داوود است، پسر عمومی امنون. نصیحت او چه بود که امنون از او پیروی کرد؟

---

---

---

---

۳. آیات قسمت دوم ۹-۱۹ امنون به تمار تجاوز و او را بیرون کرد و او بی‌عفت و ننگین رها شد.

---

۴. آیات ۲۰-۲۲؛ ایشالوم متوجه می‌شود چه اتفاقی برای خواهرش افتاده، او چه کاری برای تاملر انجام می‌دهد؟

---

---

۵. ایشالوم هیچ‌وقت چیزی به امنون نگفت اما چه اتفاقی برای ایشالوم افتاد؟

---

---

۶. داوود از آنچه که اتفاق افتاده بود خبردار شد. به ما گفته شده که او خشمگین بود. عدم تادیب او نسبت امنون چه چیزی را در ایشالوم برانگیخت؟

---

---

۷. ایشالوم اجازه داد نفرتش نسبت به امنون او را وسوسه کند. در آیات ۲۳-۲۹ چه اتفاقاتی می‌افتد؟

---

---

۸. پیغامی که داوود دریافت کرد چه بود (آیه ۳۰)؟

---

---

۹. یوناداب (آیات ۳-۵ را نگاه کنید) داوود را مطمئن کرد (آیات ۳۲-۳۳).

---

---

---

ایشالوم به خانه پدربزرگ مادری‌اش گریخت (اول تواریخ ۳: ۲). در طول سه سالی که او در خانه پدربزرگش ماند، داوود پادشاه برای امنون عزاداری کرد. بعد از اینکه داوود تسلی یافت مشتاق بود تا ایشالوم را ببیند.

**تعلیم:** یوآب، فرمانده لشکر اسرائیل، می‌دانست که داوود مشتاق دیدن ایشالوم است. او همچنین می‌دانست که ایشالوم برادرش را کشته است و عدالت باید اجرا شود. در باب ۱۴ می‌بینیم که داوود یوآب را به جشور فرستاد تا ایشالوم را به اورشلیم برگرداند؛ در هر صورت، ایشالوم به خانه خودش فرستاده شد و اجازه نداشت به حضور پادشاه برود.

## تمرین:

۱. در آیات ۲۵-۲۶ در مورد ظاهر ابشالوم می‌خوانیم. چه توضیحاتی در این مورد داده شده است؟

---

---

---

۲. در آیه ۲۷ چه چیزی درباره خانواده او به ما گفته شده است؟

---

---

---

ابشالوم به دنبال یوآب فرستاد چون می‌خواست پدرش را ببیند. یوآب نپذیرفت که بیاید. در نهایت، ابشالوم تصمیم گرفت راهی که توجه یوآب را جلب کند سوزاندن محصول جو او است. لازم به ذکر نیست که او توجه یوآب را جلب کرد و نزد پادشاه رفت (آیه ۳۳).

**بررسی اجمالی:** ابشالوم شروع به یک توطئه علیه پدرش کرد. او از راهکارهای روانشناسی برای جذب مردم به خودش استفاده کرد. او شکایات مردم را می‌شنید و حکومت پدرش را تضعیف می‌کرد. او از ظاهر قوی خودش برای جذب مردان اسرائیل استفاده کرد. طرفداران او زیاد شدند. این رشد تا حدی بود که داوود مجبور شد برای فرار از ابشالوم از اورشلیم برود. داوود رفت و ابشالوم و طرفدارانش شهر را اشغال کردند. اخیئوفل، که مشاور ابشالوم بود، به ابشالوم گفت که با تمام کنیزان پدرش در چادر مقابل چشمان همه اسرائیلی همبستر شود (دوم سموئیل ۱۶: ۲۰-۲۲). در جریان این اتفاقات، مشاور ابشالوم اخیئوفل توسط نصیحت حوشای یکی از ماموران مخفی داوود باطل شد. دوم سموئیل باب ۱۷ قسمت دوم آیه ۱۴ می‌گوید: «خداوند مقدر فرموده بود که مشورت نیکوی اخیئوفل را باطل گرداند تا آنکه خداوند بدی را بر ابشالوم برساند.»

داوود و مردانش از نقشه‌های ابشالوم برای حمله مطلع شدند. بنابراین او سربازانش را تحت فرمان یوآب، ایشای و اتای فرستاد. وقتی آنها برای جنگ رفتند، داوود از آنها خواست تا به خاطر او با ابشالوم جوان مهربان باشند. اما مرگ ابشالوم مهیب بود. دوم سموئیل ۱۸: ۹-۱۷ داستان را به ما می‌گوید. در آیه ۳۳ عزاداری داوود را وقتی برای پسرش ابشالوم می‌گریست، می‌شنویم.

درس پنج

# اسرائیل علیه خداوند گناه کرد

دوم سموئیل ۲۰- دوم پادشاهان ۱۷- امثال سلیمان و پادشاهان

بررسی اجمالی درس ۵

بررسی

مقدمه

۷۰

درس ۵: دوم سموئیل ۲۰- دوم پادشاهان ۱۷

- مزمور ۱۸
- خداوند عدالت ما
- مزمور ۱۸
- پادشاهی سلیمان گسترش می‌یابد
- حکمت و دانش
- دو مادر، یک بچه
- طرح‌های ساخت و ساز
- رد کردن پادشاهان

## مقدمه

سلطنت داوود اوج تاریخ اسرائیل در زمان پادشاهان آن بود. سلیمان مثل پدرش به عنوان یک پادشاه، موفق بود. در ابتدا سلطنت او از شیوه‌های خداپسندانه داوود پیروی کرد. او مردم را با حکمتی که خدا به او داده بود راهنمایی می‌کرد. سقوط ناامیدکننده سلطنت سلیمان و سلطنت پادشاهان پس از او را ببینید. این مقطعی از تاریخ اسرائیل است که در آن عصیان و ناطاعتی کردند. اسرائیل، به دو پادشاهی تقسیم شد، اسرائیل در شمال و یهودا در جنوب. ببینید قوم خدا چگونه او را رد کردند و سپس او چگونه آنها را رد کرد، و آنها را از چشم خود رد کرد.

مبادا که ملت به طور کامل از راه‌های غیرخداپسندانه پادشاهان از پا در نیایند، خدا در رحمت خود قوم خود را به دست کسانی داد که آنها را به بردگی گرفتند. بنابراین، خدا کسانی را که دوست دارد تادیب می‌کند و نجات خود را به همه کسانی که نام او را می‌خوانند عطا می‌کند.

## بخش اول

**مقدمه:** داستان‌ها و موقعیت‌های دیگر در دوم سموئیل ۲۰-۲۴ ثبت شده‌اند. داوود دوباره به اورشلیم برگشت و خود را پادشاه اسرائیل کرد. مردم عصبان کردند، قحطی بر زمین آمد، انتقام خون گرفته شد و جنگ علیه فلسطینیان ادامه داشت. اما در میان تمام اینها داوود برای خداوند که او را از تمام دشمنانش رهانیده بود سراپید (دوم سموئیل ۲۲). کلمات آن در مزمور ۱۸ نوشته شده است.

آیات این مزمور زمانی بیشترین معنا را دارد که بتوانیم دشمنانی را که با ما روبرو هستند شناسایی کنیم. دشمنان داوود بیش از شائول یا فلسطینیان بودند که قصد داشتند او را بکشند یا پادشاهی او را از بین ببرند، همانطور که پسرش ابشالوم تلاش کرد. دشمنان او همچنین ترس، آزار و اذیت و سوسه، افسردگی، و اضطراب بودند. دشمنان او بیشتر از نیروهای فیزیکی بودند که او علیه آنها می‌جنگید. دشمنان او نیروهایی از شریر بودند، و همانی که با داوود صحبت کرد، همان شریری است که با من و شما هم صحبت می‌کند.

**تکلیف:** قبل از اینکه به بخش تمرین برویم، در دفترتان دو یا سه دشمنی که در زندگی‌تان وجود دارند را بنویسید. دشمنان مردان خشن هستند. دشمنان همچنین چیزهایی هستند که اطراف شما هستند، مقابل شما هستند، و به دور شما می‌پیچند، سیل ویرانی که شما را فرا گرفته‌اند (مزمور ۱۸: ۴-۵).

### **تمرین:**

۱. داوود در این پرستش بسیار از زبان تصویر استفاده می‌کند (دوم سموئیل ۲۲). کلمات تصویری که او برای نشان دادن اینکه خداوند برای او کیست را مشخص کنید. در آیه ۲ خداوند \_\_\_\_\_ من است، \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ . داوود ادامه می‌دهد که او \_\_\_\_\_ که در

پناه می‌برم، \_\_\_\_\_ من، \_\_\_\_\_ من، و \_\_\_\_\_ من.

۲. کلمات تصویری که داوود برای توصیف زندگی خودش و تعقیب بی‌وقفهٔ دوستانش استفاده می‌کند را مشخص کنید. \_\_\_\_\_ گور \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ احاطه‌ام کرده‌اند.

۳. آیات ۴ و ۷ شکلی از کلماتی مثل، زاری، کمک، یا گریه استفاده می کنند. فکر می کنید وقتی نیاز داریم از دشمنان مان نجات پیدا کنیم و خدا را صدا می زنیم خداوند پاسخ می دهد؟ آیات ۷-۱۶ را بخوانید.

الف) زمین \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ شده.

ب) کوه ها \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ گردید چونکه \_\_\_\_\_ .

پ) دُخان \_\_\_\_\_ و نار از \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ افروخته گردید.

ت) \_\_\_\_\_ تگرگ و

آتش های افروخته را.

ث) (آیه ۱۴) \_\_\_\_\_

ج) (آیه ۱۵) \_\_\_\_\_

چ) (آیه ۱۶) \_\_\_\_\_

همه خلقت به خشم او پاسخ می دهند. او می آید تا ما را نجات می دهد.

۴. چه تصویری در آیات ۱۷-۱۹ وجود دارد؟

---

---

---

۵. با توجه به آیه ۲۰ چرا او تمام «جستجو و نجات» خود را انجام می دهد؟

۶. آیات ۲۱-۲۵ رابطه خدا با ما را توصیف می کند. او ما را در برابر خودش عادل آفرید. او ما را تمیز خلق کرد. ما را قادر ساخت تا راه های او را نگاه داریم، و او ما را مطیع نگاه دارد. او ما را بی تقصیر و به دور از گناه نگاه می دارد. خداوند ما را بر اساس عدالت مان پاداش می دهد. او عدالت ماست.



## بخش ۲

**تعلیم:** باید کمی در مطالعه‌مان دربارهٔ سرود داوود توقف کنیم. باید دربارهٔ عدالت، عدالت خودمان صحبت کنیم. آیا عادل هستیم؟ جدا از خدا ما عادل نیستیم. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که همه گناه کردند و هیچ کس عادل نیست (رومیان ۳: ۱۰-۱۲). اما داوود به وعدهٔ خدا ایمان داشت. ارمیای نبی می‌گوید ایامی می‌آید که او شاخه‌ای عادل برای داوود برخواهد خیزانید... و او اینطور خوانده خواهد شد: بیهوه عدالت ما (ارمیا ۲۳: ۵-۶). پولس رسول به ما یادآوری می‌کند که به خاطر خداست که ما در عیسای مسیح هستیم، کسی که برای ما از جانب خدا حکمت شد - که قداست، عدالت و رهایی ماست... به همین دلیل ما در خداوند فخر می‌کنیم (اول قرنتیان ۱: ۳۰-۳۱).

به ما یادآوری می‌شود کاری که انجام می‌دهیم ما را در برابر خدا عادل نمی‌کند بلکه کاری که او برای ما در عیسای مسیح انجام داد، همان که عدالت ماست. رابطهٔ ما با عیسی ما را در برابر خدای پدر که در ما شاد می‌شود عادل می‌کند. خدا در ما زندگی و کار می‌کند و ما را قادر می‌سازد در مقابل او بی‌تقصیر باشیم. عدالت او ما را طوری می‌پوشاند که گویی طنابی از عدالت به دور ما پیچیده شده است. خود گناهکار ما همچنان وجود دارد اما با عدالت مسیح پوشانده شده است.

**تمرین:** به دوم سموئیل ۲۲ برگردید:

۱. (آیات ۲۶ - قسمت اول ۲۷) ای خداوند تو با اشخاص وفادار \_\_\_\_\_ ، و به مردم \_\_\_\_\_ با کسانی که پاک هستند \_\_\_\_\_ .

۲. او خود را چطور به افراد کجرو نشان می‌دهد (قسمت دوم آیهٔ ۲۷)؟

\_\_\_\_\_ تو \_\_\_\_\_ را نجات می‌بخشی و اشخاص \_\_\_\_\_ (آیهٔ ۲۸).

۳. داوود خدای خود را چطور توصیف می‌کند؟

\_\_\_\_\_ الف) آیهٔ ۲۹

\_\_\_\_\_ ب) آیهٔ ۳۰

\_\_\_\_\_ پ) قسمت دوم آیهٔ ۳۱

۴. دست‌هایم را برای جنگ تعلیم می‌دهد تا بتوانم \_\_\_\_\_ به دست گیرم (آیه ۳۵)

ای خداوند تو از من حمایت نموده و مرا \_\_\_\_\_ ، کمک تو مرا به \_\_\_\_\_ رسانید (آیه ۳۶).

۵. چون خدا مرا با قدرت خودش تجهیز کرده است (آیه ۴۰) چه اتفاقی برای دشمنان و مخالفان می‌افتد (آیات ۴۰-۴۳)؟

---

---

---

۶. در آیات ۴۴-۴۶ آیا صدای قلب پادشاه را می‌شنوید؟

---

---

---

۷. و داوود خداوند را ستایش می‌کند. او زندگی می‌کند. او از دست مردم \_\_\_\_\_

---

**سوالات کاربردی:** خدا مرا از دست دشمنانم رهایی بخشید. این حقیقت ممکن است چه تفاوتی در شیوه مواجهه من با «دشمنانم» در زندگی ایجاد کند؟

---

---

---

**دعا:** ای خدای من، من هم می‌خواهم تو را ستایش کنم، برای تمام کارهای بی‌شماری که در زندگی من انجام داده‌ای. می‌خواهم تمجیدات تو را با گفتن به دیگران اعلام کنم. افکارم را بریانگیز تا زمان‌هایی را بینم که تو مرا با قوت خویش مسلح ساختی و مرا از خشم دشمنان مختلفم رهانیدی، دشمنانی که به دنبال دلسردی و حتی نابود کردنم بودند. تو مرا نجات دادی و من با شکرگزاری نام مقدس تو را می‌ستایم زیرا تو باید متعالی باشی.

---

---

---

---

**مقدمه:** حکومت داوود به عنوان پادشاه بهترین دوران اسرائیل در تاریخ بود. داوود مردی بود که به دنبال قلب خدا بود (اعمال رسولان ۱۳: ۲۲) و در زندگی اش مورد لطف خدا قرار گرفته بود (اعمال رسولان ۷: ۴۶). حالا داوود پیر و سالخورده بود (اول پادشاهان ۱: ۱). زمان آن فرا رسید تا پادشاه جدید تدهین شود.

**تکلیف:** اول پادشاهان ۱ را بخوانید.

- چه کسی خودش را پادشاه کرد؟
- این برای بتشیع و سلیمان چه مفهومی داشت؟
- داوود چه کاری انجام می‌دهد؟
- چه کسی به عنوان پادشاه بر اسرائیل حکومت می‌کند؟

**تعلیم:** از خواندن اول پادشاهان باب ۱ متوجه شدید که ادنیا پسر چهارم داوود (دوم سموئیل ۳: ۴)، خود را پادشاه اعلام می‌کند. ناتان نبی، به بتشیع گفت که این برای او و پسرش سلیمان چه مفهومی دارد و چطور زندگی خودش و سلیمان را نجات دهد (اول پادشاهان ۱: ۱۱-۱۴). او در فروتنی به حضور داوود پادشاه رفت و وعده او برای بر تخت نشستن سلیمان بعد از پدرش داوود را به او یادآوری کرد (آیه ۱۷). صادق کاهن سلیمان را مسح کرد (آیه ۳۹). وقتی ادنیا شنید که پدرش سلیمان را به عنوان پادشاه بعدی اعلام کرده است و درباره خوشحالی مردم شنید از سلیمان ترسید و از سلیمان خواست که زندگی اش را به او ببخشد (آیات ۴۹-۵۱). سلیمان برای ادنیا پیغام فرستاد (آیات ۵۲-۵۳). «اگر مرد صالح باشد، یکی از موی‌هایش بر زمین نخواهد افتاد، اما اگر بدی در او یافت شود، خواهد مُرد.»

**کاوش عمیق‌تر:** قبل از اینکه داوود بمیرد (اول پادشاهان ۲) سلیمان را موظف کرد تا قوی باشد و تمام قوانین و فرامین نوشته شده در قانون موسی را بررسی کند. او همچنین به سلیمان هشدار داد مراقب یوآب و شمعی باشد اما از او خواست با پسران برزلائی، شخصی که وقتی داوود از ایشالوم فرار کرد به او وفادار ماند، مهربانی کند. شریر ادنیا را فریب داد و خواست که با ایشک ازدواج کند، باکره‌ای که از داوود نگهداری می‌کرد (اول پادشاهان ۱: ۱-۴). درخواست ادنیا تلاشی دیگر برای به دست آوردن تخت بود. کسی که صاحب حرمسرای سلطنتی بود، جانشین حقیقی تاج و تخت بود. ادنیا چهارمین پسر داوود

بود که نطفه‌اش در رحم بتشبع بسته شد، امنون، ابشالوم و حالا ادنیا. داوود در دوم سموئیل ۱۲: ۶ می‌گوید که پرداخت برای بره‌ای که برده شده باید چهار برابر باشد. و پرداخت به صورت کامل انجام شد.

بعدی یوآب بود که مرد (آیات ۲۸-۳۴). بنایاهو مقام یوآب را به عنوان فرمانده لشکر به عهده گرفت. صادوق، ابیاتار را کاهن کرد. و در نهایت، شمعی از همان طایفه با خانواده شائول به خاطر همه بدی‌هایی که به داوود کرده بود، سرانجام سرنگون شد. حالا پادشاهی به صورت محکم در دستان سلیمان بود (قسمت دوم آیه ۴۶).

تعداد زیادی اسم. تعداد بسیاری اسم‌های نا آشنا. آنها ممکن است برای شما اسم‌های معمولی‌ای نباشند. از انتقال سلطنت از شائول به داوود و حالا از داوود به سلیمان، نگه داشتن این اسم‌ها بسیار سخت است. اسم‌های کلیدی عبارتند از:

۱. پسران داوود (امنون، ابشالوم، ادنیا)،

۲. کاهنین (ابیاتار در زمان حکومت داوود و صادوق در زمان سلیمان)، و

۳. فرماندهان لشکر (ابنیر در زمان شائول، یوآب در زمان داوود، و بنایاهو در زمان سلیمان).

دل‌سرد نشوید. گرفتار نشوید ادامه دهید و با سلیمان پادشاه آشنا شوید.

## بخش ۴

**تکلیف:** برای داستان بعدی به کتاب دوم تواریخ می‌رویم. بسیاری از داستان‌هایی که در اول و دوم پادشاهان آمده‌اند در اول و دوم تواریخ هم آمده‌اند. دوم تواریخ ۱: ۱-۱۷ را بخوانید. نکته: شاید بخواهید داستانی که در اول پادشاهان ۳: ۴-۱۵ هست را هم بخوانید.

### تمرین:

۱. سلیمان و تمامی جماعت در جبعون جمع شدند. چه چیزی آنجا بود (آیه ۳)؟

---

۲. تابوت خدا که داوود از قریه یعاریم آورد کجا بود (آیه ۴)؟

---

---

۳. مذبح برنجی در خیمه اجتماع در جبعون بود. سلیمان چه کاری انجام داد (آیه ۶)؟

---

---

۴. آن شب چه اتفاقی افتاد؟ خداوند به سلیمان چه گفت (آیه ۷)؟

---

---

---

۵. پاسخ سلیمان چه بود (آیات ۸-۱۰)؟

---

---

---

۶. پاسخ خدا چه بود (آیات ۱۱-۱۲)؟

---

---

---

۷. برخی از ثروت‌هایی که سلیمان در دوران پادشاهی خود بر اسرائیل جمع‌آوری کرد چه چیزهایی هستند (آیات ۱۴-۱۷)؟

---

---

**کاربرد:** عدم تحسین رهبری که مردم خود را بر خود مقدم می‌داند غیر ممکن است. سلیمان به جای اینکه برای خودش چیزی بخواهد، درخواست حکمت و دانش داشت تا بتواند بر قوم خدا حکومت کند. دانش اطلاعات است. دانش آموختن و درک کلام خداست. حکمت توانایی به کار بردن دانش خدا و کلام او در موقعیت‌های زندگی روزانه است.

۱. ما می‌توانیم از سلیمان یاد بگیریم. سلیمان می‌دانست که برای انجام کاری که خدا او را به انجام آن فرا خوانده بود، به چه چیزی نیاز دارد. در کتاب یعقوب در عهد جدید تشویق شده‌ایم تا حکمت بطلبیم. یعقوب ۱: ۵ را بنویسید.

---

---

---

۲. این فرصت به ما داده شده تا هرچیزی را که می‌خواهیم خدا به ما بدهد بطلبیم. چرا طلب حکمت کنیم؟

---

---

۳. آیا در جایگاه یک رهبر هستید - در خانه خودتان؟ در مدرسه؟ در محل کار؟ در اجتماع؟ در کلیسا؟ چه موقعیت‌هایی ممکن است وجود داشته که در آن حکمت خدا شما را قادر سازد به شیوه‌ای که او را خشنود می‌کند شرایط را اداره کنید؟

---

---

---

---

## بخش ۵

**مقدمه:** درس مان دربارهٔ سلیمان دوباره در اول پادشاهان ادامه پیدا می‌کند. خدا به سلیمان حکمتی عظیم داد. همانطور که در یعقوب ۱: ۵ می‌خوانیم خدا به تمام افرادی که حکمت بطلبند سخاوتمدانه حکمت می‌بخشد.

**تکلیف:** اول پادشاهان ۴: ۲۹-۳۴ را بخوانید.

### **تمرین:**

۱. بر اساس آیهٔ ۲۹ خدا به سلیمان چه داد؟

\_\_\_\_\_ (الف)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (ب)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (پ)

\_\_\_\_\_

۲. آیات ۳۰ و ۳۱ به ما می‌گویند که سلیمان از هر انسان دیگری حکیم‌تر بود. بعضی از کارهایی که او انجام داد چه چیزهایی بودند؟

(الف) آیهٔ ۳۲:



---

ب) آیه ۳۲:

---

---

پ)

---

---

ت)

---

---

۳. و در نتیجه،

\_\_\_\_\_ (آیه ۳۴).

**تکلیف:** اول پادشاهان ۳: ۱۶-۲۸ را بخوانید. این داستان نمونه‌ای از حکمت سلیمان برای اجرای عدالت است.

**تمرین:**

۱. دوزن در مقابل پادشاه بحث می‌کردند. مشکل چیست (آیات ۱۶-۲۲)؟

---

---

۲. در آیه ۲۳ سلیمان بحث را خلاصه می‌کند. در آیات ۲۴-۲۵ چه دستوری می‌دهد؟

---

---

۳. در آیه ۲۶ پاسخ آن دو زن چه بود؟

---

---

---

۴. حکم پادشاه چه بود (آیه ۲۷)؟

---

**تامل:** در حالی که در این داستان تامل می‌کنید، برخی از افکار خود را در مورد نشان دادن حکمت سلیمان به اشتراک بگذارید:

۱. چگونه یک نفر چنین حکمتی دارد؟

---

۲. آیا حکمت چیزی است که فرد با آن متولد می‌شود؟

---

۳. چه زمانی با حکمت مواجه شده‌ام؟

---

۴. چه افرادی را در زندگی‌ام حکیم می‌دانم؟

---

**کاوشی عمیق‌تر:** سلیمان خودش در کتاب‌های امثال سلیمان و جامعه درباره حکمت صحبت می‌کند. بیاموزید او چه چیزهایی می‌گوید. اینها چند مرجع هستند که کمک می‌کنند شروع کنید: امثال سلیمان ۱-۴ و جامعه ۷: ۱۱-۸: ۱. از مطالعه خود لذت ببرید.

## بخش ۶

**تعلیم:** بار دیگر در این مطالعه ما با مطالبی بیشتر از آنچه که بتوانیم به طور مفصل پوشش بدهیم مواجه هستیم. برای به پایان رساندن مطالعه‌مان درباره سلیمان پادشاه به قسمت‌های بزرگ کتاب مقدس که دیدی کلی از حکومت او به ما می‌دهند نگاه می‌کنیم. شما قویا تشویق می‌شوید که این فصل‌ها را که بر کلمات و عبارات تاکید دارند، بخوانید، حتی آیاتی که به شما دیدگاهی درباره سال‌های تاریخ اسرائیل می‌بخشند. هنگام خواندن این نکته را در نظر داشته باشید که معبد به عنوان خزانه اسرائیل عمل می‌کرد. معبد شامل ثروت ملت بود.

۱. در اول پادشاهان ۵-۷ دو پروژه بزرگ ساخت و ساز کدام‌ها بودند؟

\_\_\_\_\_ (الف)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (ب)

\_\_\_\_\_

۲. وقتی درباره حرکت دست جمعی برای آوردن تابوت عهد به معبد در اول پادشاهان ۸ می‌خوانید چه چیزی به ذهن‌تان می‌رسد؟

\_\_\_\_\_

آیات ۱۰-۱۱ را در نظر بگیرید:

\_\_\_\_\_

۳. وقتی که قوم برکت می‌گیرند و معبد وقف می‌شود کلماتی که مربوط دعا و ستایش هستند را با دقت بخوانید (اول پادشاهان ۸: ۱۴-۱۶). کلمات و عباراتی که برای‌تان خاص هستند را مشخص کنید.

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۴. کلمات امیدوارکننده و هشداردهنده خداوند به سلیمان پس از اتمام و وقف این دستاوردهای بزرگ ساختمانی چیست؟ (اول پادشاهان ۹: ۱-۹)؟

\_\_\_\_\_

---

---

۵. در اول پادشاهان ۹: ۱۰ تا باب ۱۰ می‌بینیم که سلیمان ثروت بسیاری جمع کرده است. خدا گفت که به سلیمان ثروت می‌بخشد (اول پادشاهان ۳: ۱۳) چیزی که درخواستش را نکرده بود. و او ثروت یافت. باب ۱۱ این حس را به ما می‌دهد که یک چیزی درست نیست. سرنخ در آیه ۱ چیست؟

---

---

۶. چه چیزی اشتباه بود (آیات ۱-۳)؟

---

---

۷. چرا خداوند به اسرائیلیان گفت که با زنان غریبه ازدواج نکنند؟

---

---

۸. آیات ۴-۸ درباره ناطاعتی سلیمان از خداوند می‌گوید:

---

---

۹. خداوند خشمگین بود. قضاوت او بر سلیمان چه بود (آیات ۹-۱۳)؟

---

---

**خاتمه:** خدا دشمنان علیه سلیمان برخیزانید (اول پادشاهان ۱۱: ۱۴-۴۰). اخیای نبی به یربعام، یکی از دشمنان، گفته بود که اسرائیل تقسیم می‌شود. او پادشاه ده قبیلهٔ اسرائیل خواهد شد اما به خاطر خادمش داوود دو قبیله از اسرائیل (یهودا و بنیامین) برای پسر سلیمان باقی ماند. سپس در آیات ۴۱-۴۳ به ما گفته شده که سلیمان می‌میرد و پسرش رحبعام پادشاه می‌شود.

## بخش ۶

**تامل:** یک بار دیگر موفقیت بزرگ، حکمت عالی، ثروت عظیم، ساخت و ساز، افتخار، و قدر و منزلتی که به پادشاه مسح شده خدا داده شده بود را می‌بینیم. چه اتفاقی افتاد؟ چه چیزی اشتباه پیش رفت؟ چرا سلیمان انتخاب‌هایی انجام داد که مخالف شریعت خدا بود؟ به او گفته شده بود که اگر از خداوند رو برگرداند و خدایان دیگر را عبادت کند چه اتفاقی خواهد افتاد؛ با این حال او ناطاعتی کرد و باعث شد خدا از او خشمگین شود. در نهایت خدا پادشاهی را به غیر از دو قبیله، نابود کرد. برخی از افکار و سوالات تان چیست؟

---

---

---

---

---

**تعلیم:** داستان بهتر نمی‌شود. در باب‌های ۱۲-۱۴ پادشاهی در شمال اسرائیل و در جنوب یهوذا برقرار شد. هر قلمرو پادشاه خود را داشت و در اول و دوم پادشاهان درباره حکومت این پادشاهان و پیامبرانی می‌خوانیم که از جانب خدا برای هشدار دادن آمده بودند.

**کاوشی عمیق‌تر:** ممکن است بخواهید در دفتر یادداشت‌تان این پادشاهان را یادداشت کنید و با چند کلمه حکومت آنها را توصیف کنید. لطفا متوجه باشید که به یاد آوردن این پادشاهان، زمان حکومت‌شان، و ذات حکومت آنها در حال حاضر برای یادگیری‌تان الزامی نیست. چیزی که باید یاد بگیریم این است که به جز برخی از پادشاهان، این مردان باعث شدند که مردم گناه کنند. در بین تمام کارهایی که انجام می‌دادند آنها بت‌های بی ارزش را پرستیدند، مذبح‌های ممنوعه در مکان‌های بلند ساختند، گنجینه‌های معبد خداوند را از بین بردند، مقابل چشمان خداوند خود را به شریر فروختند و قربانی‌های انسانی تقدیم کردند، و به هشدارهای پیامبران گوش نکردند. حتی بعضی از آنها را هم کشتند.

**تعلیم:** داستان چطور تمام می‌شود؟ در دوم پادشاهان باب ۱۷ دربارهٔ مرگ قلمرو اسرائیل یاد می‌گیریم. ساکنان اسرائیل، قلمرو شمالی، توسط پادشاه آشور به اسارت گرفته شدند و آنها را به آشور تبعید کرد. آیهٔ ۱۸ چه می‌گوید؟

---

---

آیات ۷-۲۳ می‌گویند چرا اسارت و اخراج آنها اتفاق افتاد. این مردم دیگر به عنوان افرادی که خداوند را نشان می‌دادند زندگی نمی‌کردند بلکه به عنوان مردمی که او را رد کرده بودند. بعضی از کارهایی که آنها انجام دادند و در این آیات ثبت شده‌اند را بنویسید:

- \_\_\_\_\_ ●
- \_\_\_\_\_ ●
- \_\_\_\_\_ ●
- \_\_\_\_\_ ●

آنها خداوند خدای خودشان را رد کردند و حالا او آنها را رد کرده بود. ممکن است اینطور حس شود که مسائل در قلمرو یهودا متفاوت نبود. قسمت دوم آیهٔ ۱۸ و آیهٔ ۱۹ اینطور می‌گوید «جز سبط یهودا فقط باقی نماند. اما یهودا نیز اوامر یهوه، خدای خود را نگاه نداشتند...» آنها از چه چیزی پیروی کردند؟

---

---

در دوم پادشاهان باب‌های ۲۴ و ۲۵ یاد می‌گیریم که تحت حکومت صدقیاء، پادشاه بابل نبوکدنصر با تمام لشکریانش علیه اورشلیم تاختند و شهر را محاصره کردند. در این آیات دربارهٔ مرگ و نابودی‌ای می‌آموزیم که بابلی‌ها به قلمرو یهودا با غارت و ویرانی اورشلیم، وسوزاندن شهر، معابد، کاخ‌های سلطنتی و همهٔ خانه‌ها و ساختمان‌های مهم تحمیل کردند. قبیلهٔ یهودا به اسارت بابلی‌ها درآمد.

**تامل:** مسلماً ما به صورت جداگانه به این فصل‌ها نگاهی انداختیم؛ با این حال، هدف از این مرور کلی این بود که به طور خلاصه آنچه در این دوران در تاریخ اسرائیل، یعنی در زمان پادشاهان اتفاق می‌افتد، بیان شود. برای آن عده از ما که این داستان را خوانده‌ایم، داستانی غم‌انگیز است؛ اما به هر حال، فکر نکردن به اینکه زندگی در آن زمان چطور بوده، غیر ممکن است. چه چیزی ممکن است باعث شود پادشاهان مردم را به چنین فسادى هدایت کنند؟ چرا مردم باید به

سمت بت پرستی و پرستش خدایان اقوام بیگانه که خداوند آنها را از سرزمین بیرون رانده بود، کشیده شوند؟ آنها چطور به این سوال پاسخ می دادند؟ بهانه آنها چه بود؟ آیا نظری در این مورد دارید؟

---

---

---

---

نپرسیدن این سوال غیر ممکن است: موضع و حالت من در مورد پرستش بتها و رد کردن خداوند چه می بود؟ پاسخم چه بود؟ بهانه ام چه می بود؟

---

---

---



درس شش

# خداوند خداست؛ از او پیروی کنید

اول پادشاهان ۱۷ - دوم پادشاهان ۵ - ایلیا و الیشع

---

بررسی اجمالی درس ۶

بررسی

مقدمه

درس ۶: اول پادشاهان ۱۷ - دوم پادشاهان ۵

- ایلیا و بیوه زن
- خداوند، خداست
- بیوه در مقابل بعل و اشیره
- ارابه های آتش
- زن شونمی
- مزمور ۱۳۰
- بشور و تمیز شو

## مقدمه

اسرائیل از اوج حکومت داوود به اسارتی اسفناک دچار می‌شود. چه فاجعه‌ای! تقاضای آنها برای پادشاه آنها را به روزهای ناامیدی کشاند. رهبران قوم فاسد شده بودند و مردم را به سمت پیروی از خدایان دیگر کشاندند، خدایان بعل و اشیره. خدا مکررا انبیایی فرستاد تا قوم را به توبه از راه‌های شریرشان بخوانند و به سمت خداوند برگردند. دو نبی در درس ۶ معرفی می‌شوند - ایلیا و الیشع.

این درس پر است از داستان افرادی که ایمان داشتند و می‌دانستند که خداوند خداست و از او پیروی می‌کردند. بیوه‌زن، مواجهه با پیامبران دروغین و نزول ازابه‌های آتش، در داستان ایلیا هستند. داستان الیشع، زن شونمی و نعمان را شامل می‌شود. ببینید خداوند به آنهایی که از او پیروی می‌کنند و از کلام او که توسط پیامبرانش می‌فرستد اطاعت می‌کنند، چطور پاسخ می‌دهد.

اعلام این که خداوند خداست نیز دعوت ما برای پیروی از اوست.

## بخش ۱

**مقدمه:** درس ۶ مروری بر کتاب‌های اول و دوم پادشاهان است. در این درس برآوردی از دو شخصیت مهم به شما ارائه خواهد شد، یعنی ایلیا و ایشع و داستان‌هایی که زندگی آنها را در بر گرفته بود. آنها در زمانی از تاریخ زندگی کردند که هم پادشاهی اسرائیل و هم پادشاهی یهودا هر دو توسط پادشاهانی با نیت بد و شیطانی رهبری می‌شدند. اعمال نفرت‌انگیز آنها علیه شریعت خدا در نهایت باعث شد تا خدا قوم خود را رد کند. پادشاهان آشوری و بابلی به ترتیب قوم اسرائیل و یهودا را تبعید و آنها را غلام و برده خود کردند.

**تکلیف:** اول پادشاهان ۱۷ را بخوانید. این باب سه داستان را تعریف می‌کند: (۱) آیات ۱-۶، (۲) آیات ۷-۱۶، و (۳) آیات ۱۷-۲۴. در زمان حکومت پادشاهان، خدا پیامبرانی را با پیام‌های هشدار فرستاد. ایلیا نبی است و اخاب پادشاه قلمرو اسرائیل در شمال است.

- پیام ایلیا به اخاب پادشاه چه بود؟
- خدا چه چیزی برای ایلیا فراهم کرد؟
- خدا ایلیا را کجا فرستاد؟
- دو داستان درباره ایلیا و زن بیوه چه هستند؟
- زن چه چیزی را اعلام می‌کند؟

### تمرین:

۱. در اول پادشاهان ۱۶: ۳۳ چه چیزی درباره اخاب پادشاه به ما گفته می‌شود؟

---

---

---

۲. حالا ایلیا نزد اخاب می‌رود او چه می‌گوید (اول پادشاهان ۱۷: ۱)؟

---

---

---

۳. دستورالعمل‌های خدا برای ایلیا چیست (آیات ۲-۴)؟

---

---

---

ایلیا از خداوند که از او محافظت و برای او فراهم کرد اطاعت می‌کند.

۴. در آیه ۷ گفته شده که چشمه خشک می‌شود. هیچ شبنم یا بارانی وجود نداشت (آیه ۷). دستورالعمل‌های بعدی خداوند برای ایلیا چه بود (آیات ۸-۹)؟

---

---

---

صرفه شهری کوچک است که در امتداد ساحل فینیقیه ما بین صور و صیدون قرار دارد.

۵. وقتی ایلیا به صرفه می‌رسد چه کسی را ملاقات می‌کند؟

---

---

۶. دو چیزی که او از آن زن می‌خواهد چیست؟

الف) آیه ۱۰:

---

ب) آیه ۱۱:

---

۷. در آیه ۱۲ آن زن چه چیزی را برای او توضیح می‌دهد؟

---

---

---

---

۸. قبل از اینکه آن زن برای خودش و پسرش غذا آماده کند ایلیا از او خواست چه کاری انجام دهد؟

---

---

۹. در آیات ۱۴-۱۶ وعده خدا به او چه بود؟

---

---

---

**کاربرد:** به نظر می‌رسد که ایلیا تا حدودی خودخواه است وقتی از زن می‌خواهد که گرسنگی خود و گرسنگی پسرش را کنار بگذارد و با جسارت از او می‌خواهد برای او نانی با تنها مواد لازم برای تهیه آخرین وعده غذایی آماده کند. با این حال او با باور به وعده خداوند که نه آرد و نه روغن تمام خواهد شد، اطاعت می‌کند. عدم تحسین ایمان این زن غیرممکن است. این موضوع ما را وادار می‌کند که دو سوال بپرسیم:

۱. چه چیزهایی دارم که می‌توانم آن را برای خودم نگه دارم یا با اعتماد به اینکه خداوند به اندازه کافی نیاز من را برآورده خواهد کرد آنها را می‌بخشم؟

---

---

---

۲. آیا از اینکه زمانم از بین برود می‌ترسم؟ آیا از اینکه منابع مالی‌ام تمام شوند می‌ترسم؟ آیا از اینکه شیشه‌های مواد غذایی، لباس، و نیازهای دیگر زندگی استفاده می‌شوند و جای‌شان خالی می‌شود و من بدون آنها خواهم ماند می‌ترسم؟

---

---

---

---

## تمرین:

۱. کمی بعدتر یک واقعه دیگر اتفاق می افتد (آیه ۱۷). پسر زن بیوه مریض می شود و می میرد. همان زن بیوه با کلامش به نبی حمله می کند. او می خواهد چه چیزی را بداند (آیه ۱۸)؟

---

---

۲. او می خواهد بداند که ایلیا چه چیزی علیه او دارد. آیا او آمده تا گناهش را به او یادآوری کند و به خاطر گناهش پسرش را بکشد؟ ایلیا پسر مرده او را می گیرد، او را به اطاقش می برد و او را روی تخت خودش می گذارد. او به درگاه خداوند با صدای بلند گریه می کند (آیه ۲۰):

---

---

---

۳. در آیه ۲۱ ایلیا چه کاری انجام می دهد؟

---

---

---

۴. چه چیز معجزه آسایی در آیه ۲۲ اتفاق می افتد؟

---

**تعلیم:** معجزه این است که زندگی به پسر برگشت و او زنده شد. اما ما شهامت این را نداریم که فیض و رحمت خدا را از دست بدهیم. آیه ۲۲ می گوید «خداوند آواز ایلیا را اجابت نمود...» خداوند شنید. خداوند به صدای قومش گوش می کند و

می‌شنود. خدای متعال، پدر ابراهیم، اسحاق و یعقوب می‌شنود. خدایی که می‌گوید «شما قوم من خواهید بود و من خدای شما خواهم بود» کسانی که اسم او را صدا می‌زنند را می‌شنود. خدا تصمیم گرفت تا قدرت قیام خود را از طریق ایلیا به بدن مرده و بی‌جان پسر بیوه‌زن نشان دهد. ایلیا پسر را برداشت، او را به طبقه پایین برد و به مادرش نشان داد (آیه ۲۳). این پسر که مرده بود حالا زنده است. می‌توانیم بشنویم که او در شگفتی به مادر پسر می‌گوید، «ببین، پسر زنده است!» آیا می‌توانید جشن و شادی را تصور کنید؟

## تامل:

۱. در آیه ۲۴ آن زن بیانی جسورانه از آنچه که می‌داند را اعلام می‌کند. او چه می‌گوید؟

---

---

---

---

۲. آیا حالا او می‌داند؟ در تمام این دوران خشکسالی که همیشه آرد و روغن عرضه می‌شد، آیا او نمی‌دانست که ایلیا مرد خداست؟ آیا او اینطور بود که فکر می‌کرد چیزی که نبی گفته درست است؟ حالا او می‌داند. او پسر مرده‌اش را داد و خداوند متعال که صدای ایلیا را می‌شنود او را از مرگ بلند کرد. کلام خداوند حقیقت است. آیا به این ایمان دارید؟ واکنش شما چه چیزی می‌تواند باشد؟

---

---

۳. آیا رستاخیزهایی در زندگی شما اتفاق می‌افتند؟ آیا امید در خانواده و دوستان شما زنده شده است؟ آیا حضور خدا را حتی در زمان قحطی در زندگی‌تان احساس می‌کنید؟

---

---

---

کلام خدا حقیقت است.

## بخش ۳

**مقدمه:** یک داستان مهم دیگر درباره ایلیا در اول پادشاهان ۱۸: ۱۶-۴۰ ثبت شده است. در آیه ۱۶ عوبدیا در قصر اخاب پادشاه مسئول بود. از آنجایی که سومین سال خشکسالی بود او توسط پادشاه فرستاده شد تا برای حیوانات علوفه پیدا کند. در طول راه عوبدیا ایلیا را ملاقات می کند (آیه ۷) کسی که توسط خدا فرستاده شده بود تا خود را به اخاب معرفی کند (آیات ۱-۲). داستان وقتی شروع می شود که اخاب برای ملاقات ایلیا می رود (آیه ۱۶).

### تمرین:

۱. برخورد اخاب چه بود (آیه ۱۷)؟

---

۲. ایلیا گفت که چه کسانی آشوبگر هستند؟

---

۳. آنها چه کاری انجام داده بودند (آیه ۱۸)؟

---

بعل و اشیره خدایان دروغینی بودند که اخاب و همسرش ایزابل آنها را می پرستیدند. آنها نه تنها ایشان را می پرستیدند بلکه مردم را هم هدایت می کردند تا به جای یهوه، تنها خدای حقیقی، خدای اسرائیل، این خدایان دروغین را پرستند.

۴. ایلیا یک نفر را صدا می زند. دستورالعمل ایلیا برای اخاب چه بود (آیه ۱۹-۲۱)؟ چه کسانی باید بر کوه کرمل جمع می شدند؟

\_\_\_\_\_ (الف)

\_\_\_\_\_ (ب)

\_\_\_\_\_ (پ)

۵. درخواست ایلیا از مردمی که جمع شده بودند چه بود (آیه ۲۱)؟

---



---

---

۶. پاسخ مردم چه بود (قسمت دوم آیه ۲۱)؟

---

مشکل آنها چه بود؟

---

۷. برنامه ایلیا برای حل و فصل امور چه بود (آیات ۲۲-۲۴)؟

---

---

---

---

۸. همه مردم توافق کردند پس پیامبران بعل یک گاو نر انتخاب و آماده کردند و سپس او را نام خدای خود را خواندند. تنها کاری که نتوانستند انجام دهند روشن کردن آتش بود. آنها نام \_\_\_\_\_ خواندند.

۹. طبق آیات ۲۶-۲۹ چه اتفاقی افتاد؟

---

---

---

۱۰. ایلیا مردم را دور هم فراخواند (آیه ۳۰). او با برداشتن دو سنگ که نمایانگر ۱۲ قبیله اسرائیل بودند، قربانگاه شکسته خداوند را تعمیر کرد و با سنگها، قربانگاه خداوند را ساخت. او چه چیزی در اطراف قربانگاه حفر کرد (آیه ۳۲)؟

---

۱۱. او قطعات بریده شده گاو نر را روی چوب مرتب کرد. آیات ۳۳-۳۵ به ما می گویند او چه کاری انجام داد؟

---

نیازی به گفتن نیست، محراب، چوب و هدیه خیس شد و گودال پر شد!

۱۲. در آیه ۳۶ ایلیا در دعایش چه کسی را مخاطب قرار داد؟

---

۱۳. ایلیا از خدا چه چیزی درخواست کرد (آیات ۳۶-۳۷)؟

الف) آیه ۳۶: تو

---

ب) آیه ۳۶: من

---

پ) آیه ۳۷: و

---

ت) آیه ۳۷: تا این قوم

---

ث) آیه ۳۷: و اینکه

---

۱۴. پاسخ خدا به دعای ایلیا چه بود (آیه ۳۸)؟

---

---

---

۱۵. پاسخ مردم چه بود (آیه ۳۹)؟

---

---

---

۱۶. فرمان ایلیا چه بود و مردم چه کاری انجام دادند (آیه ۴۰)؟

---

---

---

**تامل:** این باید مسائل را برای مردمی که پاسخ این سوال را که از چه کسی پیروی کنند، خداوند خدا یا بعل، به روی صورت افتادند و فریاد زدند، «خداوند خدا؛ خداوند خدا»، حل کند. اینطور فکر نمی‌کنید؟ آیا آنها ترسیده بودند؟ آیا آنها از زندگی‌های خودشان ترسیده بودند؟ ما فقط می‌توانیم آنچه را که در داستان آمده است بدانیم. آنها با چشم خود عمل قدرتمند خدا را مشاهده کرده بودند که نشان داد او تنها خداوند خدا است. او تنها کسی است که باید از او پیروی می‌کردند.

چه چیزی لازم است تا باور کنم که او خداوند خداست؟ آیا او باید به صورت معجزه‌آسایی، شخصی که به من نزدیک و برایم عزیز است را شفا دهد؟ آیا او باید کار و یا افزایش درآمدی را که با ناامیدی نیاز دارم تا بتوانم نیازهای خودم و خواسته‌های خانواده‌ام را برآورده کنم، به من بدهد؟ آیا او باید خودش را به عنوان خداوند خدا همانطور که به ایلیا در کوه کرمل نشان داد به شکل قابل توجهی نشان دهد؟ یا، مثل ایلیا به آسانی باور می‌کنم که او همان کسی است که می‌گوید او در کلامش وجود دارد؟ آیا من مثل مردمی هستم که چیزی نگفتند؟ او باید چه کاری برای من انجام دهد تا باور کنم که او خداوند خداست؟  
افکار و پاسخ‌های من:

---

---

---

---

باشد که دعای من این باشد، خداوندا، قلبم را به سوی خودت برگردان.

## بخش ۳

**مقدمه:** در دوم پادشاهان باب ۲ در این باره می‌خوانیم که ایلیا به آسمان برده شد. تنها شخص دیگر در کتاب مقدس که بدون تجربه مرگ به آسمان برده شد مردی است به نام خنوخ. داستان پیدایش ۵: ۲۱-۲۴ می‌گوید «خنوخ با خدا راه می‌رفت و نایاب شد، زیرا خدا او را برگرفت.» داستان ایلیا به شکلی قابل توجه‌تر است. شخصیت جدیدی به نام الیشع به شما معرفی می‌شود. الیشع شریک در خدمت با ایلیا بود. در اول پادشاهان ۱۹: ۲۱ گفته شده که الیشع «از عقب ایلیا رفت و به خدمت او مشغول شد.»

**تکلیف:** دوم پادشاهان ۲: ۱-۱۸ را بخوانید.

### تمرین:

۱. مطابق آیه ۱ چه اتفاقی قرار است که بیفتد؟

---

۲. ابتدا، ایلیا قبل از اینکه به اردن برود پسران پیامبران را در بیت‌ئیل (آیه ۳) و اریحا (آیه ۵) ملاقات کرد. اگرچه ایلیا خواست که الیشع عقب بماند الیشع در آیات ۲، ۴ و ۶ اصرار بر انجام چه کاری دارد؟

---

یادداشت: «همراهی انبیا» یا «پسران انبیا» متشکل از افرادی بودند که دانشمند بودند و با این پیامبران بزرگ ارتباط نزدیک و صمیمی داشتند. مدارس آنها در شهرهای شمالی پادشاهی اسرائیل بود.

۳. الیشع چه می‌گوید تا بدانیم که این خداحافظی‌ها برای او سخت بوده است؟

---

---

۴. پنجاه مرد از پسران انبیا آمدند و با فاصله ایستادند. در آیه ۸ آنها شاهد چه چیزی بودند؟

---

---

۵. بعد از اینکه آنها عبور کردند ایلیا به الیشع چه گفت (آیه ۹)؟

---

---

۶. پاسخ الیشع چه بود؟

---

---

۷. ایلیا چطور پاسخ می دهد (آیه ۱۰)؟

---

---

---

۸. این دو مرد زمانی را با هم می گذرانند ناگهان چه اتفاقی می افتد (آیه ۱۱)؟

---

---

---

---

۹. الیشع بر آنچه که می بیند غلبه می کند. او فریاد می زند، «ای پدرم! ای پدرم! اربابه اسرائیل و سوارانش!» و همانطور که ناگهان اربابه ها ظاهر می شوند، آنها با ایلیا می روند. مربی او، دوستش، شریک خدمتش رفته است. الیشع چه کاری انجام می دهد؟

---

---

---

۱۰. در آیات ۱۳-۱۴ چه اتفاقی می افتد؟

---

---

**تامل:** قطعا این اتفاقی نبود که هر روز بیفتد و قطعا چیزی نبود که توسط آنهایی که در حال تماشا بودند به زودی فراموش شود.

ایلیا با عباى خود به رود اردن می‌زند و آن می‌شکافد. سپس آنها از زمین خشک عبور می‌کنند. موضوع بعدی که او می‌داند این است که او از ایلیا با ارا به و اسب‌های آتش جدا شده است. تمام شد. ایلیع دیگر او را ندید.

ایلیع از ایلیا درخواست کرد که به او دو برابر قدرت روحش را بدهد اما چیزی که او تقاضا کرده بود را تنها خدا می‌توانست بدهد. در اصل، ایلیع درخواستی جسورانه داشت. او درخواست می‌کرد که جای ایلیا را بگیرد. امروز این می‌تواند تقاضا برای خدمتی تاثیرگذار به اندازه ایلیا باشد. ایلیا به او این امید را داد که اگر ایلیع هنگامی که ایلیا از او گرفته می‌شود او را ببیند خواسته‌اش برآورده خواهد شد. هنگامی که او عباى ایلیا را برداشت و آب را شکافت پیامبرانی که تماشا می‌کردند فهمیدند که حالا روح ایلیا در ایلیع است. آنها مقابل او سجده کردند و به افتخاری که به او تعلق داشت اعتراف کردند. ردای رهبری و مسئولیت منتقل شد.

**کاربرد:** مکالمه بین این دو نبی قبل از اینکه از هم جدا شوند قابل توجه بود. ایلیا می‌پرسد، «پیش از آنکه به آسمان بروم بگو چه می‌خواهی تا برایت انجام دهم» وقتی به این فکر می‌کنیم می‌گوییم شاید ایلیا فکر می‌کرده زمان کمی دارد تا کاری برای ایلیع انجام بدهد. در نهایت فقط این دو مرد هستند که با هم حرف می‌زنند. او ممکن بود بتواند چه کاری انجام دهد؟ ایلیا تخمین می‌زد که پاسخ ایلیع چه باشد؟

از طرف دیگر، ایلیع پاسخ می‌دهد، «دو برابر قدرت روح خود را به من بده!» چیزی که ایلیع می‌طلبد را فقط خدا می‌تواند بدهد. به نظر می‌رسد هر کدام از سوالات را تنها خدا می‌تواند پاسخ دهد.

زمانی را تصور کنید که از افرادی که دوست‌شان دارید و دوست‌تان دارند جدا هستید. ممکن است چه چیزی از آنها پرسید؟ آیا تمایل خواهید داشت سوالی را که ایلیا پرسید پرسید، «چه کاری می‌توانم برای انجام دهم؟» آیا برکتی در راه است؟ آیا گفتن کلماتی برای تشویق و قدرت بخشیدن می‌تواند مناسب باشند؟ فکر کنید که برای آمادگی برای چنین زمانی چه می‌توانید بگویید؟

---

---

---

یا شاید شرایطتان وقتی کسی را از شما می‌گیرند مثل شرایط الیشع است. آیا شما همان فردی خواهید بود که می‌گوید، «دو برابر قدرت روح خود را به من بده؟» به ارث بردن یعنی دریافت چیزی که از کسی به جا مانده. آیا این میراثی است که از کسی بخواهید؟ اگر این سوال را پرسیده‌اید، کدام پاسخ‌ها را می‌خواهید در میان بگذارید؟

---

---

---

**دعا:** خداوند خدا، تو ما را برکت داده‌ای. تو ما را در چیزهای اعلا غنی ساخته‌ای. تو روح خود را بر ما ریخته‌ای. باشد که ما سخاوتمند باشیم و برکات تو را چه در خداحافظی موقت و چه در مرگ بر دیگران بریزیم. باشد که برکات تو بر دیگران آنها را برای مسئولیت‌ها و موقعیت‌هایی که به آنها داده‌ای قدرت ببخشد و باشد که آنها با دو برابر قدرت روح تو دیگران را برکت دهند تا همگان وارث حیات ابدی از طریق پسر عیسی مسیح که قدرت دو برابر ماست شوند.

---

---

---

---

## بخش ۴

**مقدمه:** داستان بعدی موقعیت دیگری است که در آن خدا برای زنی بیوه و پسرش فراهم می‌کند. در شریعت موسی (تثنیه ۱۴: ۲۹) می‌آموزیم که ده یک و هدایای تقدیمی مردم غذای کافی فراهم می‌کرد تا بیوه‌زنان و یتیمان خرسند شوند. وعده خداوند خدا این بود که قومش را در تمام کارهایی که انجام می‌دهند برکت دهد.

**تکلیف:** دوم پادشاهان ۴: ۱-۷ را بخوانید.

- این زن کیست؟
- مشکل چیست؟
- خدا برای او و دو پسرش چه کاری انجام داد؟

## **تمرین:**

۱. داستان را از زبان خودتان بازگو کنید:

---

---

---

---

۲. این موقعیت از نظر آن زن غیر ممکن بود. در آیه ۲ الیشع چه سوالاتی پرسید؟

(الف) \_\_\_\_\_

(ب) \_\_\_\_\_



## کاربرد:

۱. خدا روغن کمی را که او داشت برکت داد تا به او به اندازه کافی بدهد که بتواند از آن شرایط آزاد شود. کاربرد برای خودتان در این داستان پیدا کنید:

---

---

---

۲. چه چیز کمی دارید که خداوند می‌خواهد آن را افزون کند و به وفور در زندگی دیگران جاری کند؟ چه چیز کمی دارید که او می‌خواهد از آن استفاده کند تا دیگران را با نیکویی خود برکت دهد؟

---

---

---

وعدۀ خدا برای برکت دادن به کاری که انجام می‌دهید را فراموش نکنید.

**تکلیف:** دوم پادشاهان ۴: ۸-۱۷ را بخوانید.

## تمرین:

۱. در آیات ۸-۱۰ زن شونمی و همسرش چه شرایطی را برای الیشع فراهم کردند؟

---

---

۲. الیشع وقتی به شونم آمد می‌خواست از آنها برای شرایط سخاوتمندانه‌شان تشکر کند. او از خادم خود جیحزی خواست که از آن زن دعوت کند و الیشع چه چیزی را به او داد (آیه ۱۳)؟

---

---

۳. او چه پاسخی داد؟

---

۴. الیشع هنوز راضی نیست و از جیحزی می پرسد چه کاری می توان برای آن زن انجام داد (آیه ۱۴) پاسخ او چیست؟

---

۵. الیشع به آن زن چه می گوید (آیه ۱۶)؟

---

۶. مشخصا این زن امیدش برای مادر شدن را از دست داده بود و نمی خواست دوباره ناامید شود. اما طبق آیه ۱۷ نبوت به تحقق پیوست:

---

---

---

**تکلیف:** آیات ۱۸-۳۷ را بخوانید. داستان ادامه دارد.

### تمرین:

۱. ناگهان پسر مریض می شود. خادمین او را نزد مادرش می برند و پسرش را در آغوش می گیرد و تا ظهر او می میرد (آیات ۱۸-۲۰). این مادر چه کاری انجام می دهد (آیات ۲۱-۲۵) قسمت اول (۲۵)؟

---

---

۲. او به شوهرش گفت که همه چیز خوب است. حالا او به جیحزی هم می گوید که همه چیز خوب است. اما او به الیشع چه می گوید (آیه ۲۸)؟

---

---

---

۳. دستورات او به جیحزی چه بود (آیه ۲۹)؟

---

۴. مادر پسر نپذیرفت که الیشع را ترک کند پس الیشع با او به خانه اش رفت. در راه جیحزی الیشع و زن را دید. او چه چیزی به آنها می گوید (آیه ۳۱)؟

---

۵. وقتی الیشع به خانه رسید چه کاری انجام داد (آیات ۳۲-۳۵)؟

---

۶. به بچه مرده زندگی داده شد. در آیات ۳۶-۳۷ الیشع بچه را به مادرش تقدیم می کند. ظاهراً او چیزی نگفت اما او

---

و بیرون رفت.

**تعلیم:** جالب است که در این مقطع از تاریخ اسرائیل خدا انتخاب می کند تا از طریق پیامبرانش با مردم صحبت کند. او از طریق ناتان نبی نزد داوود، نزد پادشاهان از طریق هزاران پیامبر، و نزد مردم از طریق پیامبرانی مثل ایلیا و الیشع آمد. پیامبران همچنین زندگی و امید را برای کسانی که در طلب اطاعت از کلام او و پرستیدن او به تنهایی بودند به ارمغان آوردند. در دوم پادشاهان داستان رحمت خدا که به این زن و شوهرش نشان داده شد را، می خوانیم. در کنار هم، زنی را می بینیم که می داند کمک او از جانب خداوند، از طریق خادمش، الیشع نبی است. با هم نجات خدا را می بینیم که به این بچه که از مرگ به زندگی آورده شده بود داده شد. در میان تمام انکارها و سرکشی های اسرائیل و پادشاه یهودا خدا محبت و شفقت خود را به این خانواده می دهد. رحمت او آنها را نجات می دهد و آنها را رهایی می بخشد.

از برخی جهات داستان آنها داستان اسرائیل است. خدا نزد قومش آمد و آنها او را به عنوان نجات دهنده شان پذیرفتند. او خواسته های دل آنها را برآورده کرد و وعده داد که آنها به سرزمین وعده برده خواهند شد. و پس از سال ها امید آنها برآورده

شد زیرا در امنیت خدای خود زندگی می‌کردند. اما مرگ آمد. آنها خدا را رد کردند و پادشاهی طلبیدند تا بتوانند مانند ملت‌های دیگر باشند. در نهایت این پادشاهان آنها را از او دورتر و دورتر کردند. سرانجام او قومش را تشنه حضور خود کرد. شریعت و کارهای پیامبران، قادر به نجات آنها نبود، چون زندگی‌بخش نبودند. شریعت کاری به جز محکوم کردن آنها انجام نداد. خادمین کاری به جز تأیید مرگ پسر نداشتند... نه صدایی نه پاسخی. همانطور که نبی آمد و روی بچه صورت در صورت، چشم در چشم و دست در دست خوابید و وارد بدن بی جان شد، همان خدا که در خلقت نفس حیات در انسان دمید، عیسی را به عنوان یک انسان فرستاد تا وارد زندگی‌های ما شود و از طریق رنج کشیدن، مرگ، و قیام از مرگ به ما زندگی ببخشد.

دوم قرن‌تین ۵: ۲۱ دقیقاً به ما می‌گوید خدا چه کاری انجام داد. «زیرا او را که گناه شناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم.» عیسی، پسر خدا، بی‌گناه بود. او عادل بود. او تنها کسی بود که می‌توانست ما را در خدا قائم کند اما برای انجام این کار او باید یکی از ما می‌شد. او باید وارد دنیای گناه‌آلود ما می‌شد. به خاطر همین او باید تمام اشتباهات ما و مرگ را به خود می‌گرفت. در این کار خدا در رحمت خود ما را نجات داد چون عیسی ما را عادل شمرد و به ما زندگی بخشید. این یک آیه بسیار خوب برای نوشتن در کاغذهای یادداشت‌تان است.

**به خاطر بسپاریم:** به نظر می‌رسد مزمو ۱۳۰ فریاد قلب است زیرا پادشاهی اسرائیل و یهودا بر انجام کارها به شیوه خودشان اصرار داشتند. آیا صدای فریاد قلب افرادی که قلب‌شان را علیه خدا برگرداندند می‌شنوید؟ آیا صدای فریاد قلب بیهوشان صرفه و شونیم و همسر او را می‌شنوید؟ آیا صدای آنها را می‌شنوید؟ «ای خداوند از عمق‌ها نزد تو فریاد برآوردم. ای خداوند! آواز مرا بشنو و گوش‌های تو به آواز تضرع من ملتفت شود.»

شاید این فریاد شما باشد. شاید در عمق ناامیدی هستید و نمی‌دانید به چه سویی بروید، و از کجا رحمت و بخشش خدا را دریافت کنید. شاید زندگی‌تان آنی است که نیاز به رهایی و نجات از تمام کارهای اشتباه‌تان را دارد. برای خداوند صبر کنید و امیدتان را در کلام او بگذارید. امید خود را به خداوند بسپارید زیرا محبت او بی‌پایان است، و نجات کامل با او است.

وقت بگذارید و آیات این مزمو را بنویسید. آنها را به خاطر بسپارید و تمام آنچه را که در اعماق وجودتان دارید یادداشت کنید. بخواهید که رها و آزاد شوید و از اعماق وجودتان نجات بیابید. باشد که خداوند به طور مداوم محبت بی‌پایان و رحمتش برای شما را به شما یادآوری کند. امیدتان را در او و کلامش بگذارید. او رهایی و نجات شماست.

**دعا:** ای خدای من، حتی اگر تو را از اعماق وجودم صدا کنم، روح من برای محبت و بخشش تو مستاصل است. من به درگاه تو برای رحمت فریاد می‌زنم. پایین بیا و دستانم را بگیر. مرا از هر چیزی که در لجن و باتلاق زندگی گیر می‌اندازد رهایی ده. گناهانم مقابل من هستند. مرا به خاطر عیسی، نجات‌دهنده‌ام، صخرهٔ من و نجات من از اسارت آنها رها کن. مرا بیرون بکش، مرا در خون و عدالت خود بشور، یک بار دیگر قادر بساز تا سرود ستایش برای شکرگزاری برای تو بخوانم. همانطور که پسر آن زن مرده بود و تو دوباره به او زندگی بخشیدی، با قدرت قیام خود به من دوباره زندگی ببخش تا نام مقدس تو را تمجید کنم.

---

---

---

---

## بخش ۵

**تعلیم:** اینطور احساس می‌شود که خدا خودش را از قومش دور می‌کند. آنهایی که خوانده شده بودند، آنهایی که انتخاب شده بودند تا فرزندان او باشند دیگر بازتابی از صورت او نبودند بلکه در عوض تصویری از دشمن بزرگ و شریر بودند. آنها اعمال زشتی از سرکشی علیه خدا انجام دادند، اعمال شریر و شرارت. آنها مقابل خدایان چوبی و سنگی یعنی بعل و اشیره تعظیم کردند. به نظر نمی‌رسد که بخواهد اطراف آنها باشد. به نظر نمی‌رسد که او بخواهد با کسانی که سرکش و فاسد هستند ارتباط برقرار کند. به نظر می‌رسد او پشت خود را به افرادی کرده که تحت تاثیر هر هوسی که سر راهشان هست قرار می‌گیرند. آنها به عنوان افراد حکیم رفتار نمی‌کنند بلکه مثل افراد نادان. آنها فراتر از هر چیزی او را دوست ندارند و به او اعتماد نمی‌کنند. آنها با تمامی دل، جان و فکر خود به او محبت ندارند. وقتی آنها او را به عنوان خداوند خدایشان واضحاً رد کردند او باید چه کاری انجام دهد؟ آیا فکر می‌کنید او باید متفاوت عمل می‌کرد؟ انتظار دارید او چه کاری انجام دهد؟

---

---

---

عشق پایدار گاهی مستلزم دریغ ساختن خود از کسانی است که دوست‌شان داریم. چنین عشقی حتی اجازه می‌دهد فردی که عشق را رد می‌کند در لجن و باتلاق گناه غرق شود. وقتی که پدر و مادر مجبورند با فرزند نامطیع کنار بیایند و اجازه بدهند فرزند از آنها دور شود و به راه خودش برود، آن روز، روز سختی است.

**مقدمه:** آخرین داستانی که در این درس می‌خوانیم داستان مردی به نام نعمان است که نزد الیشع نبی می‌آید تا از بیماری‌اش شفا یابد.

**تکلیف:** دوم پادشاهان ۵: ۱ تا قسمت اول آیه ۱۹ را بخوانید.

- نعمان چه کسی بود؟
- کنیز به خاتون خود چه گفت؟
- الیشع چه دستورالعمل‌هایی به نعمان داد؟

- پاسخ نعمان چه بود؟
- داستان چطور پایان می‌یابد؟

## تمرین:

۱. در آیه ۱ چه چیزی درباره نعمان به ما گفته می‌شود؟

---

---

---

ارام ممکن است روی نقشه‌ای که دارید مشخص باشد. آن سرزمین سوریه است که در شمال شرقی اسرائیل قرار دارد. دمشق یکی از شهرهای ارام است.

۲. یک دختر جوان اسرائیلی به اسارت برده شد تا زن نعمان را خدمت کند. این زن به خاتون خود چه گفت (آیات ۳-۴)؟

---

---

---

۳. نعمان نزد پادشاه خود رفت. او به پادشاه گفت که آن دختر چه گفته است و اجازه خواست تا برود. پاسخ پادشاه چه بود و چه کاری برای نعمان انجام داد؟

---

---

---

۴. نعمان با خود هدایا و نامه برد. نامه چه چیزی می‌گفت (آیه ۶)؟

---

---

---

۵. پادشاه اسرائیل چطور به نامه پادشاه ارام پاسخ داد (آیه ۷)؟

---

---

---

۶. وقتی ایلع شنیء که پادشاه چه کاری انجام داده پیامی که برای پادشاه فرستاد چه بود؟

---

---

۷. نعمان و همراهنش به خانه ایلع رسیدند تا فقط از طرف آورنده پیام مورد استقبال قرار بگیرند. آنچه به نعمان گفته شده بود انجام دهد چه بود (آیه ۱۰)؟

---

---

---

۸. به جای انجام کاری که ایلع به او گفته بود او با خشم و عصبانیت رفت. نعمان انتظار داشت چه اتفاقی بیفتد (آیه ۱۱) - (۱۲)؟

---

---

---

۹. به زبان خود بگوئید که نعمان در حقیقت چه می گوید؟

---

---

---

او فرمانده لشکر پادشاه بود. او مثل یک فرمانده عمل می کند و حالا می خواهد دستوراتی را برای بهبودی او بدهد. او فکر می کرد که شخص مهمی است و شایستگی آن را دارد که پیامبر حداقل «اینک... البته نزد من بیرون آمده، خواهد ایستاد و اسم خدای خود، یهوه را خوانده، و دست خود را بر جای برص حرکت داده، ابرص را شفا خواهد داد.» نعمان همه چیز را فهمیده بود. در عوض، او به رودی در اسرائیل یعنی رود اردن فرستاده شد، و به او گفته شد خودش را هفت بار بشورد.



۱۰. در آیه ۱۲ نعمان چه چیزی می‌خواهد؟

\_\_\_\_\_ (الف)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ (ب)

\_\_\_\_\_

در واقع او اینطور می‌گوید، «این همه راه آمدم تا به من گفته شود برو و خودت را در رود اردن بشور. آیا نمی‌شد این کار را در خانه انجام داد؟»

۱۱. در آیات ۱۳-۱۴ چه اتفاقی می‌افتد؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۲. نعمان به خانه نبی باز می‌گردد. او چه چیزی را به الیشع اعتراف می‌کند؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۳. او هدایایی به الیشع تقدیم کرد (آیه ۱۵) که نبی آنها را رد کرد (آیه ۱۶). نعمان وقتی به خانه به وظایفش برگشت نگرانی‌هایی داشت. در آیه ۱۸ او چه درخواستی می‌کند؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۱۴. کلمات الیشع برای خداحافظی چه بود؟

\_\_\_\_\_

## کاربرد:

۱. زمانی را به یاد بیاورید که می‌خواستید از خدا بپرسید که چطور یک شرایط را اداره کنید:

---

---

۲. آیا از خداوند در دعا چیزی خواسته‌اید و آیا در ذهن خود فهمیده‌اید که پاسخ قابل قبول چه خواهد بود؟

---

---

## تعلیم:

نعمان با ایده‌هایی دربارهٔ اینکه کل روند درمان چطور عمل خواهد کرد و از قبل به آنها فکر کرده بود نزد الیشع رفت. این روند قرار بود برجسته و قابل توجه باشد. او قرار بود خوب به نظر برسد چون نبی خداوند را صدا کرده و دست خود را بر او گذاشته بود. اما «درمان» الیشع بزرگ نبود. دستور به او این بود: برو خودت را بشور و این کار را هفت بار انجام بده. این درمان به این اشاره داشت که نعمان ناپاک است. این بیماری پوستی می‌توانست کشنده باشد. او خودش را بیمار می‌دید نه ناپاک. خادمین و همراهانش او را تشویق کردند تا فرضیاتی که از قبل به آنها فکر کرده که قرار است چه اتفاقی بیفتد را کنار بگذارد و فقط آنچه را که نبی گفته بود انجام دهد، «بشور و تمیز شو.»

نعمان چیزی بیشتر از یک بیماری پوستی داشت که باید به آن توجه می‌شد. او مشکل رابطه‌ای داشت. او بیماری گناه داشت. پادزهر برای بیماری پوستی و بیماری گناه او آب بود. می‌توانیم تصور کنیم او وارد آب می‌شود خودش را برای تمیز شدن در آب فرو می‌برد. اما تمیزی عمیق‌تری اتفاق می‌افتد. این چیزی است که برای همهٔ ما وقتی با آب و کلام تعمید می‌یابیم اتفاق می‌افتد. در عمل سادهٔ گذر از آب برای تعمید ما بخشیده می‌شویم و برای همیشه از بیماری گناه‌مان شفا می‌یابیم. در تعمید رابطهٔ درهم شکسته شده توسط گناه احیا می‌شود. بیماری گناه دیگر ما را از خدا جدا نگه نمی‌دارد. یکی از سخت‌ترین چیزها در مورد ابرص بودن این بود که آنها به خاطر بیماری از دیگران جدا می‌شدند. به همین صورت، گناهان‌مان ما را ناپاک می‌کنند و ما را از پدر آسمانی‌مان جدا می‌کنند. درست همانطور که آب نعمان را از بیماری پوستی‌اش شفا داد پس آب تعمید هم ما را از بیماری گناه شفا می‌دهد. ما بخشیده و وارد رابطه‌ای زنده از طریق عیسای مسیح شده‌ایم.

**دعا:** از خداوند برای اینکه او نیکوست تشکر کنید....

---

---

---

---

---

بررسی واحد درسی

رحمت خدا،

نجات ما

## بررسی

تبریک می‌گوییم! شما درس «رحمت خدا، نجات ما» را کامل کردید. با تعدادی داستان و شخصیت جدید در کتاب مقدس آشنا شدید. حالا زمان مرور کردن است. به یاد داشته باشید که این یک امتحان نیست، بلکه فرصتی است برای تایید شما و پیشرفت‌تان در ادامه این سفر هیجان‌انگیز که زندگی‌تان را شکل می‌دهد. در حالی که تحصیل می‌کنید واقعیت‌های داستان‌ها و حقایق درباره خدا و انسان را می‌آموزید. شما همچنین پی می‌برید که چطور واقعیت‌ها و حقایق را در زندگی‌ای که در قرن بیست و یکم دارید به کار بگیرید.

### مرور سوالات:

۱. آن مرد که به عنوان مردی که به دنبال قلب خدا بود، توصیف شده چه کسی بود؟

\_\_\_\_\_ اعمال رسولان ۱۳: ۲۲ را ببینید.

۲. داستان داوود و جلیات در کجا آمده است؟

\_\_\_\_\_

۳. رابطه شاول و داوود را توصیف کنید:

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۴. احترام داوود برای شاول را توصیف کنید:

\_\_\_\_\_

دوم سموئیل ۲۶: ۹-۱۱ را بخوانید.

۵. داوود خواست که معبد خداوند را بنا کند؛ با این حال، خداوند خواسته او را نپذیرفت. وعده خدا به او چه بود؟ دوم سموئیل

۷: ۱۲-۱۳ را ببینید.

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۶. داستان داوود و بتشبع کجا آمده است؟

---

۷. سه عقوبت گناه داوود چه بودند؟

الف) دوم سموئیل ۱۲: ۱۰

---

ب) دوم سموئیل ۱۲: ۱۱-۱۲

---

پ) دوم سموئیل ۱۲: ۱۴

---

۸. داستان ایشالوم را خلاصه کنید (دوم سموئیل ۱۳: ۲۰-۱۸: ۳۳):

---

---

---

---

۹. سلیمان پادشاه چه چیزی از خدا طلبید (اول پادشاهان ۳: ۹)؟

---

---

---

---

۱۰. داستان دو زن فاحشه کجا آمده است؟

---

۱۱. سلیمان کدام دو ساخت و ساز بزرگ را آغاز کرد؟

---

الف) اول پادشاهان ۶

---

ب) اول پادشاهان ۷

---

۱۲. نتیجه حکومت سلیمان چه بود (اول پادشاهان ۱۱: ۱-۱۳)؟

---

---

---

۱۳. چه کسی در زمان حکومت اخاب پادشاه نبی بود (اول پادشاهان ۱: ۱۷)؟

---

۱۴. داستان زن صرفه‌ای را خلاصه کنید (اول پادشاهان ۱۷: ۷-۲۴):

---

---

---

۱۵. مواجهه ایلیا با پیامبران بعل در کوه کرم را توصیف کنید (اول پادشاهان ۱۸: ۱۶-۴۰):

---

---

---

۱۶. چه کسی جانشین ایلیا بود (دوم پادشاهان ۲: ۱-۱۲):

---

۱۷. دو داستان به یاد ماندنی درباره‌ی الیشع چه هستند؟

الف) دوم پادشاهان ۴: ۱-۷

---

ب) دوم پادشاهان ۵

---

۱۸. در دوم پادشاهان ۲۴: ۲۰ نتیجه خشم خداوند چه بود؟

---

---

---

۱۹. پادشاه بابل چه کسی بود (دوم پادشاهان ۲۵: ۱)؟

---

۲۰. یک حقیقتی که درباره خدا و رحمتش از داستان این پادشاهان یاد می‌گیرید چیست؟

---

---

---

**سوال برای بحث:** اگر شخصی از شما بپرسد رحمت خدا چه تغییری در زندگی شما به وجود آورده است، چطور پاسخ می‌دهید؟

---

---

---

---



**دعا:** ای خداوند، در ترس از تو ایستاده‌ام در حالی که به این فکر می‌کنم که رحمت تو زندگی‌ام را به وفور لمس کرده. رحمت تو به من زندگی و نجات بخشیده است. رحمت تو محبتی است که آن را به دست نیاورده‌ام و لایق آن نبوده‌ام. من برای رحمت که از طریق عیسی کسی که جای مرا گرفت، کسی که مقدس بود و با این حال به خاطر من گناه شد، کسی که وضعیت وخیم مرا به خود گرفت و به جای من خونش ریخته شد و مرد، به من داده‌ای سپاسگزارم. تشکر می‌کنم. برای تمام فیض و رحمت تو بر من نام مقدست را می‌ستایم.

---

---

---

---

مطالعات کتاب مقدسی بیشتر به طور رایگان برای دانلود در دسترس هستند.

از این وب سایت ملاقات کنید: [www.crosscm.org](http://www.crosscm.org).

نظرات خود را با ما در میان بگذارید

تماس با ما: [admin@crosscm.org](mailto:admin@crosscm.org)